



هفته بسیج گرامی باد

بسیج خادم مردم

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و یکم | شماره ۱۰۷۰ | دوشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۱ | ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ | ۲۱ نوامبر ۲۰۲۲ | ۱۶ صفحه

نوید کمالی
عصرریاتیک

۱۲
مجازستان

رضا صارمی
چرا رفتار غرب تغییر کرد

۳
دیدگاه

دکتر یدالله جوانی
توهم امتیازگیری با جنگ ترکیبی

۲
سرمقاله

۱۱
خرد

جهاد تبیین و تداوم پیشرفت

۸
پرونده

بسیج در صف اول

امام خامنه‌ای در دیدار با قشرهای مختلف مردم اصفهان مطرح کردند

امید سوزی

نقشه دشمن

۴
راهبرد

خوب، اما ناکافی!

محمد پناهی

کارشناس سیاسی

«براندازی نه ممکن است نه مطلوب» این شاید مهم‌ترین جمله سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات از آغاز نازاری‌های کشور با بهانه مرگ مهسا امینی باشد. اما این جمله چه معنایی دارد؟ وزن این عبارات در فضای سیاسی کشور چیست و چگونه باید با این اظهارات مواجه شد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها باید کمی به عقب بازگردیم، به روزهایی که ادعای تقلب اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۳۸۸ و لجابست نامزدهای بازنده انتخابات ریاست‌جمهوری دهم کشور را تا لبه پرتگاه برد؛ حوادثی که دشمنان ملت ایران را به طمع انداخت و تمام جریان‌های ضد ایرانی با همه توان و ظرفیت پای کار ضربه زدن به انقلاب اسلامی و ملت بزرگ ایران آمدند! آن روزها و در سال‌های پس از آن یکی از مطالبات اصلی مردم و نظام از سران آن اتفاقات سیاه که با نام «جنبش سبز» بر ملت ایران تحمیل شد، این بود که با صراحت و آشکارا از دشمنان ایران و جریان‌های ضد انقلاب و اسلام برانگیزسته و مرزبندی روشنی داشته باشند. موضوعی که هر یک از چهره‌های شاخص فتنه ۸۸ به شکلی و با بهانه‌ای از آن طفره رفتند.

اما اکنون و در سال ۱۴۰۱ در میانه حوادث مهر و آبان گذشته، سیدمحمد خاتمی را که همچنان مهم‌ترین چهره اصلاح‌طلبان شناخته می‌شود، با گفتن جمله «براندازی نه ممکن است نه مطلوب» در جمع افرادی که به نقل از صفحه او در شبکه‌های اجتماعی از آنها به عنوان علاقه‌مندان به سیستان و بلوچستان یاد می‌کنند، می‌توان مصداق مرزبندی با دشمن و براندازان تلقی کرد و آن را یک گام به جلو دانست، اما قطعاً این گام به تنهایی کافی نیست.

اما در پاسخ به این پرسش که وزن این گفته‌های رئیس دولت اصلاحات چقدر است، باید به جایگاه سیدمحمد خاتمی در فضای سیاسی ایران نگاه کنیم. واقعیت این است که با وجود تلاش برخی از طیف‌های جریان اصلاحات برای عبور از سیدمحمد خاتمی و همچنین فاصله‌گذاری رسمی بخشی از تندروهای اصلاح طلب با مشی اصلاح طلبی و غلبیدن در دامن براندازان می‌توان گفت، رئیس دولت اصلاحات همچنان شاخص‌ترین و مورد قبول‌ترین چهره در این طیف سیاسی است.

تجربه سال‌های اخیر، به ویژه در بزنگاه انتخابات‌های مجلس دهم و ریاست‌جمهوری یازدهم و دوازدهم نیز نشان می‌دهد، سازوکارهای مختلف در این طیف سیاسی از پارلمان تا شورای سیاست‌گذاری با شکست مواجه شدند و این جریان در نهایت به محویرت فردی بازگشت و ایفای نقش خاتمی تکرار شد! اما داشتن این جایگاه نیز به تنهایی کافی نیست.

ولی این جملات و مرزبندی روشن چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد؟

پاسخ این پرسش را نیز می‌توان در بخش دیگری از گفته‌های رئیس دولت اصلاحات در همین دیدار جست‌وجو کرد، آنجا که می‌گوید: «گام نخست تفاهم و حرکت به سوی همدلی و اقیانوس متقابل است.» خاتمی که در میان اصلاح‌طلبان جایگاه ویژه‌ای دارد، می‌تواند با ایجاد تفاهم در طیف اصلاحات، با پر رنگ کردن مرزبندی با دشمنان ملت ایران، زمینه گفت‌وگو را فراهم کند.



دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول

با تأمل در ابعاد و زوایای پیدا و پنهان حوادث و اغتشاشات اخیر در کشور،

یک واقعیت خودنمایی کرد و آن، اینکه غرب، با همه توان و داشته‌ها، ابزارها و عوامل، استفاده حداکثری از زمینه‌ها و بسترها به میدان آمد تا با راهبرد جنگ ترکیبی به مجموعه‌ای از اهداف برسد. بی‌ثبات‌سازی و مخدوش‌سازی امنیت، ایجاد وقفه در حرکت پیشرفت کشور، دوگانه‌سازی مردم و حکومت، تقویت گسل‌های قومی، مذهبی، جنسی و جمعیتی، در صورت امکان سوری‌سازی ایران و فراهم‌سازی زمینه‌های تجزیه کشور، از جمله اهدافی بود که برای این جنگ ترکیبی مورد نظر طراحان جنگ بود.

در این میان، کشورهای غربی و در رأس آنان آمریکایی‌ها، چنین می‌پنداشتند که با برهم ریختن اوضاع داخلی ایران و در تنگنا قرار دادن مسئولان جمهوری اسلامی، رهبران

ایران تحت فشارهای داخلی و خارجی، برای بهبود شرایط به خواسته‌های غرب تن خواهند داد. تصور پیشین سردمداران آمریکا و برخی کشورهای اروپایی این بود که جمهوری اسلامی برای راهی از مشکلات ناشی از تحریم‌ها، در نهایت حاضر به امتیازدهی در موضوعات هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای خواهد شد. البته مواضع برخی از جریان‌های سیاسی و دولتمردان سابق ایران در پدیدایی چنین تصویری در غرب بی‌تأثیر نبود.

دغدغه اصلی غربی‌ها، پیشرفت پرشتاب جمهوری اسلامی در تمامی حوزه‌هاست و آنان بر این تصور بودند که با ابزار تحریم و متقاعدسازی جمهوری اسلامی برای نشستن پای میز مذاکره، از طریق مذاکره تحت فشار به بهانه‌های مختلف، مسیر قدرت‌یابی ایران و رسیدن به موقعیت بنای تمدن اسلامی را مسدود خواهند کرد. اما با چرخش قدرت در ایران و شکل‌گیری دولتی با تفکر انقلابی و مردمی، سیاست‌ها و رویکردهای دولت جدید در حوزه مسائل داخلی و سیاست خارجی، به ویژه اتخاذ سیاست مذاکره از موضع قدرت و عزت در برابر غرب در موضوع مذاکرات و

برجام، به یکباره تمام باورهای غربی‌ها مبنی بر مهار و کنترل قدرت جمهوری اسلامی از طریق مذاکره را به هم ریخت.

در چنین شرایطی، دشمنان ملت ما به این جمع‌بندی رسیدند که اگر ایران به حال خود واگذار شود، طی دو تا سه سال آینده به نقطه‌ای خواهد رسید که تحت هیچ شرایطی دیگر نمی‌تواند آن را کنترل یا محدود کرده و حرکت تمدن‌ساز ایرانیان براساس ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی شتاب خواهد گرفت؛ حرکتی که به طور قطع به استیلاي تمدن مادی‌گرای غرب پایان داده و جابه‌جایی مرکز قدرت در جهان از غرب به شرق را جامه عمل می‌پوشاند.

بنابراین، غربی‌های نگران از این تحول بزرگ با مشاهده نزدیک شدن بشر به پیچ تاریخی، به این جمع‌بندی رسیدند که باید با رو کردن آخرین برگ‌ها و به میدان آوردن تمامی داشته‌ها و فعال کردن آن علیه جمهوری اسلامی، مقامات مسئول در کشور را به سمت میز مذاکره سوق دهند.

رفتارشناسی رسانه‌های وابسته به غرب و مترجمان منطقه و جریان ضد انقلاب، تحلیل مواضع آشکار مقامات آمریکایی، اروپایی،

صهیونیستی و سعودی، اظهارنظرهای چهره‌های گروهبان‌های تجزیه‌طلب و آنچه در کف خیابان‌ها و در مواردی در دانشگاه‌ها به وقوع پیوست، همگی نشان می‌دهد،

جبهه استکبار در مقابل ملت ایران، تا چه اندازه حقیر و مستأصل شده است. در بیش از دو ماه گذشته، به قول معروف به هر دری زدند و هر اقدام متصور را انجام دادند، تا شاید در روندهای موجود تغییر ایجاد کرده و زمینه دستیابی به اهداف و از جمله امتیازگیری در مذاکرات برجام را فراهم کنند، اما نه تنها این اهداف حاصل نشد، بلکه آنان داشته‌های خود را بر باد دادند.

اکنون این مردم بصیر ایران هستند که از مسئولان کشور درخواست کنار گذاشتن سیاست مماشات با اغتشاش‌گران و برخورد قاطع با قاتلان داعش صفت و برهم‌زنندگان نظم و امنیت را دارند. آری، دشمن در جنگ ترکیبی ماه‌های اخیر به دنبال فریب ملت ایران با هدف دوگانه‌سازی مردم-حکومت بود، لکن بصیرت مردم، این بار هم بر سیاهه ناکامی‌های او افزود و کارنامه پرافتخار ایرانیان ایستاده در برابر نظام سلطه را قطورتر کرد.

توهم امتیازگیری با جنگ ترکیبی

حکمرانی نو

۴ در این میان، جریانی که خود را مدعی اصلاحات در کشور می‌داند و متأسفانه سال‌هاست که حرفی منسجم برای پیشبرد ادعای خود ندارد، طبیعتاً باید از این اظهارات استقبال کند، اما از آنجا که انحصارگرایی نیز در این جریان موج می‌زند، به جای استقبال از این ایده، رویکردی تخریبی اتخاذ کرده و این اظهارات و گوینده آن را مورد حمله قرار داده است. این در حالی است که انتظار می‌رود به جای تخریب اولاً تلاش شود تا این ایده فهم و بررسی شود و ثانیاً نقدها برای تکمیل و اصلاح آن ارائه شود.

ایده حکمرانی نو می‌تواند نسخه‌هایی برای عبور از شرایط موجود و رسیدن به روزگاری نو باشد، به شرط آنکه ملاحظاتی اشاره شده مورد توجه قرار گیرد و همچنین کار در حد شعار باقی نماند و برای تحقق آن پشتکار لازم وجود داشته باشد. نباید فراموش کرد که حکمرانی موجود نیازمند تحولاتی اساسی است و هر کس در این مسیر ایده‌هایی ارزشمند مبتنی بر قانون اساسی و منافع ملی ارائه دهد، خدمتگزار واقعی ملت خواهد بود.

حرفی نو و مشخص و قابل عملیاتی کردن ارائه نمی‌کنند؛ حرف‌هایی که به نحوی بوی تکرار گرفته و شنیدن مجدد آن چندان چنگی به دل نمی‌زند! آقای قالیباف و مشاوران و همفکرانش که احتمالاً ایده حکمرانی نو، محصول تعاملات مستمر با ایشان بوده است، برای آنکه دچار این تکرار نشوند، باید به طرح عنوان و جعل واژه کفایت نکرده و مختصات و ابعاد آنچه «حکمرانی نو» خوانده‌اند، ترسیم کنند و ایده‌های منسجم، عملیاتی و قابل پذیرش در افکار عمومی ارائه دهند و آنگاه برای تکمیل نزد نخبگان و صاحب‌نظران ارائه کنند.

۳ امروز یکی از مباحث جدی که در فضای سیاسی برای حل معضل پیش آمده، مطرح شده است، فتح باب گفت‌وگو بین احزاب و گروه‌های سیاسی است؛ اما آنچه نامعلوم است، موضوع گفت‌وگوست که در این زمینه اتفاق نظری وجود ندارد. به نظر می‌رسد، تبیین ابعاد «حکمرانی نو» می‌تواند موضوع مورد وفاق برای گفت‌وگوی نخبگان فکری-سیاسی جامعه باشد.

زودتر امنیت در کشور به صورت کامل تثبیت شود تا تغییرات مشروع و لازم به سمت حکمرانی نو در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در چارچوب نظام سیاسی جمهوری اسلامی آغاز شود. در مورد این سخنان می‌توان به نکاتی چند توجه کرد:

۱ برای عبور از بلوای ایجاد شده، در دو ساحت باید تدبیر کرد. ساحت اول مهار آشوب و بازگرداندن آرامش و امنیت به جامعه است که بدون شک راهکار آن جداسازی صف اغتشاشگران از معترضان و برخورد قاطع با ضدانقلاب است که به برکت خون پاک شهدای مظلوم این روزها، این مرزبندی در حال تکمیل شدن است و نظام در آستانه پایان مدارا و برخورد قاطع قرار دارد. بدون شک پایان بلوا به معنای حل معضل نیست و برای آن باید راهکاری سیاسی ارائه کرد که ایده «حکمرانی نو» می‌تواند الگویی برای رسیدن به این راهکار سیاسی باشد.

۲ سالیان متمادی است که بسیاری از تحول و اصلاحات دم می‌زنند، اما عملاً

گزارش به مردم

معاون اقتصادی رئیس‌جمهور با بیان اینکه صحبت با کسانی که در صحنه حادثه حضور داشتند، برای بنده مسلم کرد که گلوله‌های شلیک شده از کلاشینکف و سلاح‌های جنگی وارد شده است و نیروهای ما از این نوع سلاح و گلوله استفاده نمی‌کنند؛ گفت: «از کار انداختن دوربین‌های نظارتی ما را مطمئن‌تر می‌کند که این حادثه تروریستی و با دخالت و اجرای یک گروه حداقل ۲۰ نفره بوده است؛ شواهد طراحی حادثه تروریستی کاملاً بارز است.» محسن رضایی گفت: «تعدادی از عوامل دستگیر و مابقی نیز دستگیر خواهند شد و پس از تکمیل اطلاعات گزارش کامل به مردم ارائه داده خواهد شد.»



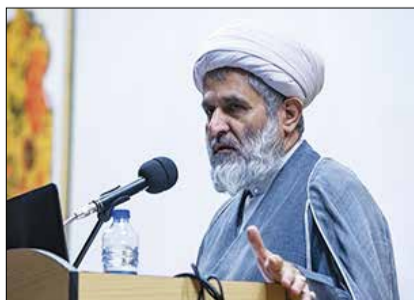
حد خوبشننداری

امیر پوردستان، رئیس مرکز مطالعات راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: «به نظر من ما در این حادثه واقعاً خوبشننداری کردیم و خود من احساس می‌کردم جای آن دارد که عربستان سعودی در این فتنه‌ها از طریق نیروهای نیابتی و ظرفیت‌هایی که در منطقه وجود دارد، یک سیلی محکمی بخورد. اما، به نظر من مسئولان ما مانند همیشه خوبشننداری کرده و بزرگواری کردند. عربستان بدانند که خوبشننداری ما حدی دارد و اگر بخواهد اقدامات خصمانه خود را مقداری بیشتر کند، قطعاً پاسخ ما پشیمان‌کننده خواهد بود.»



برنامه دشمن

رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلام با بیان اینکه آمریکایی‌ها می‌بینند که کشور در حال بازیابی ظرفیت‌های خود در حوزه‌های مختلف، از جمله صادرات نفت و تولید برق است و زیرساخت‌ها در حال توسعه است، گفت: «آمریکایی‌ها قصد مزوی کردن ایران را داشتند، اما امروز عضو سازمان‌های بین‌المللی بزرگ، از جمله شانگهای می‌شود، لذا آمریکایی‌ها به دنبال این هستند که ایران نتواند از امکان یکپارچه شدن حاکمیت استفاده کند و به دنبال به راه انداختن جنگ داخلی و جنگ سیاسی در ایران هستند.»



روزانه

گلایه ای هشدارگونه!

ابوالقاسم علیزاده

مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه محمد رسول الله (ص) در وضعیت فتنه گون، تشخیص وظیفه و تکلیف البته سخت، ولی هنر مردان و زنان با بصیرت و مؤمن و هوشمند است. به ویژه آنگاه که آتش فتنه به همه تار و پود جامعه و نیز ارزش های ملی، دینی، مکتبی و آرمانی مردم هجوم می آورد؛ اما طیفی از عوام و خواص جامعه هستند که نقش تماشاجی را ایفا می کنند و شاید برخی از آنان بدون هیچ تعصبی همواره نان را به نرخ روز می خورند یا به سان عناصر سودجو، مرده شور ماهر می هستند که کاری به شخصیت و گرایش های مرده ندارند، بلکه برای آنها تنها رونق بازار مرده شوری مهم است و بس...

اسام صدق (ع) در این خصوص فرمودند: عمل کننده به ظلم و کمک کننده به آن و کسی که راضی به انجام عمل ظالمانه باشد، تماماً در ظلم صورت گرفته شریک هستند یا در جای دیگری نیز فرمودند: «الساکت کالر اضی».

الغرض!... فتنه ای که اکنون گریبان جامعه اسلامی و انقلابی را گرفته، به واقع جنگ احزاب دیگری است که تمام ظرفیت های جبهه کفر و الحاد و نفاق را با هدایت ها و حمایت های مستقیم و آشکار آمریکا و انگلیس و رژیم صهیونیستی و نیز عربستان سعودی با تمام گزینه های زیر میز و روی میز شان، به صحنه نبرد پیچیده و ترکیبی و چند لایه وارد کرده است. به راستی در کدامین دوره از فتنه های سابق این حجم اهانت به مقدسات و ارزش های انقلاب اسلامی و ایجاد رعب و وحشت هر چند کاذب در میان متدینان و حوزویان و دل نگرانی اهل ایمان بوده ایم؟ به قول مرحوم آیة الله فاضل لنکرانی که در فتنه بنی صدر می فرمودند: اهالی فتنه چه برای ما باقی گذارده اند؟! آیا نمی بینید تهاجم گسترده جبهه کفر و الحاد را به ستون خیمه انقلاب، یعنی ولایت و رهبری؟ اگر چه رهبر حکیم و فرزانه به سان پدری دلسوز همچون فتنه ۸۸ به ویژه در مواجهه با گول خوردگان رسانه های بیگانه می فرمودند: «بگذارید عکس مرا پاره کنند یا شعاری به ناحق علیه من بدهند. اینان حریف و دشمن واقعی نیستند» و لذا امر به ملاحظه می فرمودند. اکنون نیز با وجود عبور از پاره کردن تصویر و شعارهای ساختار شکنانه به بدھنی و ناسز آگویی های وقیحانه دست زده و تأسف آور اینکه در حالی که می دانند حمایت های همین پدر پیر دلسوز است که از سر محبت و عشق به فرزندان هر چند جسور و گول خورده، دست نیروهای امنیتی را برای برخورد با اعتراض گران یا اغتشاشگران کف خیابان ها بسته است؛ ولی باز هم مطابق با القانات رسانه های بیگانه اگر چه در قالب جمعیت های کوچک و نه چندان مهم زبان به جسارت می گشایند.... آری، در این شرایط پیچیده انتظار می رود خواص امت و به ویژه عالمان و مراجع بزرگوار تقلید که همیشه علمدار بصیرت و معرفت بوده اند، بموقع و بهنگام نقش هدایتگری و بصیرت افزایی داده و باعث دلگرمی نیروهای جان بر کف حافظ امنیت کشور که مظلومان پای عزت و کرامت و اقتدار کشور از جان شان مایه می گذارند، بوده باشند.

چرا رفتار غرب تغییر کرد

اروپا بر تعهد قاطع و حمایت مستمر خود از اجرای کامل و مؤثر برجام تأکید می کند و مصمم است به همکاری با جامعه بین المللی برای بازبایی و اجرای کامل این توافق که اهمیت راهبردی برای معماری جهانی عدم اشاعه هسته ای دارد، ادامه دهد. «بیانه شورای حکام درباره برنامه هسته ای ایران هم نشان از این دارد که غربی ها رویه خود درباره جمهوری اسلامی را تا حد زیادی نسبت به اوایل اغتشاشات تعدیل کرده اند.

عوامل غیر مستقیم نیز در تغییر رفتار غربی ها مؤثر بوده که بعضی از مهم ترین عوامل شامل آزمایش موشک ماهواره بر «قائم» می شود که توانایی ایران را در ارسال ماهواره در سطوح بالای جو امکان پذیر می کند. همچنین به فاصله کوتاهی بعد از آن، جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد قادر به تولید موشک های هابیر سونیک شده است. همه اینها کارشناسان غربی را در موضع حیرت قرار داد؛ زیرا به جز چین، روسیه و کره شمالی کشور دیگری به این دانش دست نیافته و جالب اینکه آمریکایی ها در آخرین نشست خود برای موشک های هابیر سونیک با شکست رویه رو شدند. همچنین پیروزی لبنان در تعیین وضعیت میدان های گازی با رژیم صهیونیستی که با حمایت حزب الله لبنان انجام گرفت و در نهایت استقرار دولت و تعیین رئیس جمهور در عراق که به محور مقاومت نزدیک هستند، بعد از یک دوره

نیستیم؛ ولی حمایت خود را از اغتشاشگران به صورت گسترده ادامه می دهیم. این خط کاری از سوی آمریکا و سایر دولت های غربی دنبال شد. موضع گیری های مسئولان غربی هم در همین راستا بود. آنها اعلام می کردند برجام در اولویت ما نیست و حمایت از اغتشاشگران و مسائل حقوق بشری در ایران برای ما در اولویت است. ولی از حدود ده روز پیش غربی ها از طرح خود برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی ناامید شدند و اولین علایم این موضوع شروع به ظهور کرد، در اولین گام «بلینکن» وزیر خارجه آمریکا در دیدار با وزیر خارجه عمان از تلاش های این کشور تشکر کرد. عمان یکی از کشورهای است که پیام های آمریکایی ها را به ایران منتقل می کند. آقای امیر عبدالمهدیان هم به این موضوع اشاره کرد که ظرف روزهای اخیر پیام های آمریکا برای شروع مذاکرات افزایش یافته است. از سوی دیگر، «جوزف بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در سخنانی گفت، مذاکرات برای بازگشت به برجام بر اساس قطعنامه شورای امنیت است و ارتباطی با اتفاقات دیگر در ایران ندارد و اتحادیه اروپا به دنبال انجام مذاکرات است. «جیک سالویان» مشاور امنیت ملی بایدن هم گفته است، بسته پیشنهادی در شهریور ماه برای مذاکرات برجام کماکان به قوت خود باقی است و در آخرین موضع گیری درباره برجام، «استفان کلمنت» سفیر اتحادیه اروپا در وین گفت: «اتحادیه

رضا صاری



دکتری امنیت ملی

به دنبال ناتمام ماندن مذاکرات برجام به دلیل کارشکنی و رفتار متناقض آمریکا، آنها در سخنان خود اعلام کردند، سراغ برنامه جایگزین می روند و این اتفاق با مرگ مهسا امینی همزمان شد. به نظر می رسد، طرح «بی» آمریکایی ها با آغاز یک جنگ ترکیبی بی سابقه و به منظور تغییر رفتار جمهوری اسلامی وارد مرحله عملیاتی شده است. آنچه در این ماجرا شاهد آن بودم، بخشی از جنگ ترکیبی علیه ملت ایران است که مسبق به سابقه بود، ولی بعضی اتفاقات سابقه نداشت؛ مانند سخنرانی بایدن که گفت: «ما ایران را آزاد خواهیم کرد.» هر چند روز بعد سخنگوی کاخ سفید این جمله را اصلاح کرد. یا حضور جاستین ترو در بین حامیان اغتشاشگران ایران در کانادا که برای اولین بار یک مقام یا مسئول غربی در چنین تجمعمانی شرکت کرد؛ البته این نقض آشکار قوانین بین المللی بود. از جمله اقدامات دیگر نیز اعمال تحریم های جدید علیه جمهوری اسلامی یا حمایت رسانه ای بی مسابقت از آشوبگران داخلی بود. در همان زمان شروع اغتشاشات رابرت مالی گفت، ما به دنبال تغییر حکومت جمهوری اسلامی

همکاری امنیتی

نگاهی به مواضع تهران و آنکار پس از حمله های تروریستی در ایران و ترکیه

عملیات تروریستی در میدان تقسیم خطرناک باشد، قتل خاشقچی در کنسولگری عربستان در ترکیه نیز خطرناک است، در واقع هر دوی آن اقدام از تفکر تروریستی پرور آل سعود نشئت گرفته است. بنابراین انتظار می رود دولت ترکیه نسبت به این موضوع حساس باشد و در راستای همکاری با جمهوری اسلامی ایران، اجازه تکرار موضوعات این چنینی را ندهد. در طول ۶۰ روز گذشته، عربستان سعودی حامی اصلی اغتشاشات در ایران شناخته شده است یا تصور اینکه با اقدامات نامن سازی در ایران و ترکیه، می تواند خود در حاشیه امن باشد.

۱- از آنجایی که رژیم صهیونیستی تلاش می کند کرهستان عراق با تجهیز نیروهای تجزیه طلب در منطقه نامنی ایجاد کند، همکاری دو کشور می تواند مانع تحقق چنین آرزویی برای صهیونیست ها شود. زمانی که کرهستان عراق تصمیم گرفت خود مستقل باشد و از دولت مرکزی عراق جدا شود، تنها حامی آنها رژیم صهیونیستی بود. موضوعی که به طور مستقیم تهدید علیه امنیت ایران و ترکیه و به تبع آن کل منطقه به شمار می آمد. بنابراین، دو کشور ایران و ترکیه باید در مقابل محور شیطانی عبری-غربی-عربی اتحادی بر مبنای تلاش برای ثبات دهی به منطقه ایجاد کنند.

۲- نباید امنیت منطقه در راستای به دست آوردن دلارهای سعودی نادیده گرفته شود. هر اندازه

نظر می رسد، با این رویکرد دو کشور ایران و ترکیه می توانند همکاری های خود را توسعه دهند و در راستای مبارزه با تروریسم به فهم مشترک برسند. تمام تروریست های منطقه از آشوبخیز محور عبری-غربی تأمین می شوند و بنابراین با هر عنوانی که در منطقه حضور داشته باشند، محکوم هستند و نباید اجازه فعالیت به آنها داده شود. متأسفانه عربستان سعودی در راستای تروریست پروری دقیقاً در زمین صهیونیست ها بازی می کند و با ترس اینکه کشور و مردم عربستان به آل سعود پشت کند، همواره میدان دار سیاست های آمریکا و صهیونیست ها در منطقه شده است. این کشور با این تصور که همراهی با غرب می تواند برای خود حاشیه امن ایجاد کند، به داعش کمک می کند، برای نامنی در جمهوری اسلامی ایران هزینه می کند، یمن را بمباران کرده، با دلارهای نفتی سوریه و عراق را نابود می کند و در تلاش است لبنان را به سمت هرج و مرج هدایت کند. بنابراین در کنار چنین رژیم های بی رویکرد تروریست پروری، باید کشورهایی همچون ترکیه

اکبر معصومی



کارشناس بین الملل

وجود تروریسم و به تبع آن عملیات تروریستی در منطقه، برنامه ای است که طراح آن در اتاق فکر های غرب صورت گرفته است. غرب و به ویژه آمریکا با بحران آفرینی در منطقه غرب آسیا به دنبال عقب ماندگی و تضعیف کشورها در مقابل رژیم صهیونیستی و نیروهای آمریکایی است تا از این طریق چپاول و سلطه خود را ادامه دهد؛ از این رو عملیات تروریستی در شاه چراغ، ایزد تا استانبول را باید در این راستا تحلیل و ارزیابی کرد. اگر چه شدت و فراوانی عملیات تروریستی در کشورها بیشتر است، رویکرد جمهوری اسلامی ایران بر خلاف برخی از کشورهای مرتجع منطقه، ثبات و آرامش در همه کشورهای منطقه است و دولت ها باید در کنار هم محور امنیتی پایدار را تشکیل دهند و از تفکر امنیتی وارداتی دست بکشند. به

عکس و مکث



دیدار جمعی از علمای اهل سنت زاهدان با حجت الاسلام علی اکبری / مولوی حافظ اسماعیل معاون دارالعلوم مسجد مکی زاهدان و جمعی از استادان حوزه علمیه اهل سنت زاهدان به دیدار نماینده ویژه رهبر معظم انقلاب رفتند.



حضور جمعی از خانواده های شهدا در منزل شهید امنیت/ خانواده های شهیدان شیرودی، تجلیایی، باکری، زین الدین، رستمی، هادی و شهدای مدافع حرم قربانی و مبردوستی در منزل شهید عجمیان حاضر شدند. در این دیدار خانواده شهیدان آرمان علی وردی و امیراحمدی نیز حضور داشتند.



چقدر پول می دهی؟ / در نشست خبری کی روش در پاسخ به پرسش خبرنگار اسکای اسپورت که پرسید: «سررمی گری تیم کشوری که حقوق زنان در آن رعایت نمی شود چه منفعتی برای شما دارد؟» گفت: «شما چه مبلغی برای این سوال دریافت می کنید؟ راستی از کشور خودتان چه خبر؟»



هم غوغایی با مکرون / در حالی که تویی خیابون های فرانسه زبان و دختران فرانسوی در حال کتک خوردن هستند؛ مصی علی نژاد به عنوان مدافع حقوق زنان و سه نمایندگی از کومه ها و کردهای تجزیه طلب با رئیس جمهور فرانسه دیدار کرده است!



اوج وقاحت یک مرئی / گل محمدی به بازیکنان تیم ملی حمله کرده که چرا رفتید دیدار با رئیس جمهور؟ اگر جناب عالی خیلی معترضی، از سرمری گری پرسپولیس استعفا بده و بی خیالی میلیاردها پولی شو که داری بابت حضور در یکی از تیم های حکومتی می گیری! مرد این کار نیستی؛ چون منفعت طلبی!



داعش و سعودی شش سال دو روی یک سکه اند/ بیشتر داعشی ها ریختند توی موزه موصل عراق و همه آثار باستانی را خراب کردند. این روزها هم مجری سعودی شش سال است که از تخریب مفاخر ایران، مانند سعدی و حافظ حمایت می کند. البته این اتفاق عجیبی نیست، وقتی کارفرمای هر دو بن سلمان است.

نوبت عبدالحمید

مهدی جهان تیغی

روزنامه‌نگار

آنچه از مجموع دیدارها، عملکرد و گفتمان حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبری به عنوان نماینده ویژه رهبر معظم انقلاب در سفر به سیستان و بلوچستان می‌توان نتیجه گرفت، این است که توپ اکنون در زمین «مولوی عبدالحمید» است.

یک: رهبر معظم انقلاب بر اساس یک دغدغه، نگرانی و نارضاحتی که برای شخص ایشان از حوادث سیستان و بلوچستان به وجود آمد، نماینده ویژه ای را با هدف دلجویی، بررسی و نهایت همکاری و همدمی با مردم شیعه و سنی، خواص، نخبگان و گروه‌های مختلف به زاهدان فرستادند.

دو: حجت‌الاسلام علی اکبری به عنوان نماینده رهبری در سفر به سیستان و بلوچستان نیز تاکنون با خانواده شهید، آسیب دیدگان، گروه‌ها و اقشار مختلف مردم و تقریباً اصلی‌ترین شخصیت‌های مؤثر شیعه و سنی استان و از جمله مولوی عبدالحمید دیدار کرده و گفت‌وگوها و دیدارهای موفق، دلگرم‌کننده و امیدوارکننده‌ای داشته‌اند. ضمن اینکه چارچوب گفتمان گفت‌وگویی حجت‌الاسلام علی اکبری در این سفر جامع و با توازن عدالت و رأفت بوده و جای شبهه و ایراد باقی نگذاشته است.

سه: مولوی عبدالحمید در هفته‌های گذشته مطالبات، انتقادات و پیشنهادها را متعددی راپیان کرده است. برای نمونه، ایشان بارها گلایه کرده که مسئولان در همدلی با مردم کوتاهی کردند. اما اکنون فراتر از هر مسئول ارشدی در این کشور، رهبر معظم انقلاب خود شخصاً برای دلجویی و ابراز ناراحتی از حوادث پیش آمده نماینده به زاهدان و دیگر شهرهای آن منطقه ارسال کرده و بحث آزادسازی دستگیرشدگان و رسیدگی به آسیب دیدگان در بالاتر از سطح انتظار معمول بسیاری از خواص آن منطقه، اتفاق افتاده است. شواهد زیادی نشان می‌دهد، حاکمیت فراتر از بسیاری از حوادث دیگر در کشور و حتی بالاتر از برخی مرسومات معمول در حال پیگیری و روشن کردن همه ابعاد حوادث اخیر سیستان و بلوچستان است.

چهار: با توجه به موارد بالا که تنها بخشی از عملکرد پدرانسه، صبورانه، مهربانه و عادلانه حاکمیت درباره حوادث سیستان و بلوچستان است و به خصوص با سفر ویژه حجت‌الاسلام علی اکبری به عنوان نماینده ویژه رهبری و پیگیری‌های خاص و فراتر از عرف معمولی که از سوی ایشان در حال انجام است، توپ کامل در زمین مولوی عبدالحمید افتاده است. شاید روز جمعه این منقشه اولین و ویژه‌ترین آزمون سنجش میزان صداقت و نیت‌سنجی سیاسی امام جمعه اهل سنت زاهدان درباره پرونده حوادث اخیر جنوب شرق نیز باشد. مواضع یا خطبه‌های او به زودی مشخص خواهد کرد که او اساساً به دنبال حل پرونده زاهدان است یا نه، اگر کمتر از این میزان همت و عزمی که در حاکمیت اتفاق افتاده، مولوی عبدالحمید در مواضع خود سخن بگوید یا بدتر از آن بخواهد دوبهلو یا بانکنایه، یا به صورت غیر شفاف، یا موکول به گذر زمان و آینده و بدون نتیجه‌گیری مشخص و پایان باز برای مردم خطبه بخواند، حتماً در حق نظام و هم مردم اهل سنت و بلوچ جفا کرده است. ضمن اینکه حال که حجت برای همه در حال تمام شدن است، کوتاهی کردن پس از آن نه تنها توجیه ندارد، بلکه پس از آن باید به گونه دیگری به قضایا نگاه کرد.

امام خامنه‌ای در دیدار با مردم اصفهان مطرح کردند

امیدسوزی نقشه دشمن

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار با مردم اصفهان با ایشان با تأکید بر اینکه جوان ایرانی در همین روزهای شرارت دشمن، زنده و با انگیزه است، افزودند: «یکی از شاخص‌های اساسی ایران دوستی، امیدآفرینی است، بنابراین کسانی که القای ناامیدی و بن‌بست می‌کنند، ایران‌ستیز هستند و نمی‌توانند ادعای ایران دوستی داشته باشند.» در ادامه برخی سخنان رهبر معظم انقلاب درباره حوادث اخیر را می‌خوانید.

گروه سیاسی

مصباح صادق



داریم، هم مجازات داریم، مثل پیغمبر، روش رسول‌الله.

دشمن قصدش این بود که مردم را وارد میدان کند، مردم نشان دادند که با دشمن همراه نیستند. البته دشمن لشکر سازی می‌کند در رسانه‌ها، لشکر سازی کاذب، انبوه‌سازی دروغ می‌بینید در رسانه‌های گوناگون دشمن، جوری وانمود می‌کند که آدم غافل و بی‌خبر تصور می‌کند که واقعاً یک خبری است. واقع قضیه این نیست، آنچه که انبوه است، آنچه که عظیم است، حضور مردم در خدمت انقلاب و در میدان‌های انقلاب است، بله، این خیلی عظیم است؛ اما آن طرف نه، خواستند مردم را وارد کنند، مردم زدند توری دهن‌شان.

البته دشمن هر روزی یک کیندی دارد، یک مکرری دارد، اینجا شکست خورد معلوم نیست که دست بردارد، می‌رود سراغ جاهای دیگر، می‌رود سراغ اقشار. هدف دشمن آن چیزی بود که برایش حاصل نشد.

مهم‌ترین مشکل ما هم امروز علی‌العجاله مشکل اقتصادی است. می‌بینید بنده سال‌هاست شعار سال را یک نقطه اقتصادی قرار می‌دهم و از مسئولان درخواست می‌کنم که بروند سراغ حل این مشکل و پیگیری این نقطه. دهه ۹۰ از لحاظ اقتصادی دهه خوبی نبود برای ما. مشکلاتی برای ما به وجود آمد.

من می‌بینم حالا آنچه که انسان مشاهده می‌کند، مسئولان در تلاشند واقعاً، جداً دارند تلاش می‌کنند، دارند کار می‌کنند، کارهای‌شان هم در موارد بسیاری مؤثر است. در همین وضع اقتصادی هم مؤثر است، اما خب مشکل اقتصادی هست.

طبیعت یک ملت با ایمان همین است: بله قدرت‌های دنیا هر وقت به فکر این بیفتند که به قول خودشان روی میز همه چیز دارند و برگ‌های جدیدی روی میز هست و یکی از برگ‌ها برگ‌های نظامی است و... هر وقت به فکر این بیفتند، به یاد هشت سال جنگ تحمیلی خواهند افتاد. می‌دانند ملت ایران شکست نمی‌خورد. بارها ملت ایران به مخالفین خودش، به آمریکا و به دیگران گفته است که شما آمدن‌تان با خودتان است، اما رفتن‌تان دیگر با خودتان نیست؛ ممکن است بیایید جلو اما پای‌بند خواهید شد و پدرتان در می‌آید. ملت ایران از تهدید جنگ تحمیلی این استفاده را کرد و استفاده‌شان این بود که انگیزه‌شان بیشتر شد.

که شهدای امتیت، شهدای بسیجی، شهدای نیروی انتظامی، آحاد مردمی که شهید می‌شوند. یک جوانی، شهید روح‌الله عجمیان مثلاً فرض کنید، به شهادت می‌رسد، یک جوان ناشناخته‌ای است، ولی در شهادت او یک جمعیت عظیمی به تشییع جنازه می‌آیند بیرون! عکس‌العمل مردم این است.

از آن تهدید فرصت درست می‌کنند، یعنی مردم خودشان را نشان می‌دهند، می‌گویند: ما اینیم. شما جوان ما را به شهادت می‌رسانید، ما همه پشت این جوانیم. درست نقطه مقابل آن چیزی که دشمن می‌خواهد القا کند.

صحنه‌گردان‌های اغتشاشات خودشان را طرفدار ملت ایران وانمود می‌کنند؛ اما با همه خواسته‌ها و عقاید و مقدّسات ملت ایران دشمنی کردند. با اسلام دشمنی کردند، مسجد سوزاندند، قرآن سوزاندند، با ایران دشمنی کردند، پرچم ایران را سوزاندند، سرود ملی ایران را بی‌احترامی کردند. اینها چهره‌های‌شان روشن شد.

آدما می‌کنند طرفدار ملت ایرانند. خب ملت ایران ملت مسلمان است، ملت قرآن است، ملت امام حسین است. تو به امام حسین اهانت می‌کنی، بددهنی می‌کنی؛ بی‌حیاسی می‌کنی، تو طرفدار ملت ایرانی؟ به اربعین اهانت می‌کنی، به راهپیمایی میلیونی اربعین اهانت می‌کنی، تو طرفدار ملت ایرانی؟ خب، چهره صحنه‌گردانسان واقعی این اغتشاش هم روشن شد.

مطلب دیگر در مورد نوع برخورد با عناصر صحنه‌گردان است. یک بخش صحنه‌گردان‌ها هستند، یک بخش فریب‌خورده‌ها هستند، یک بخش پول‌گرفته‌ها هستند، بعضی‌ها جنایت کردند. اینها، همه، یک جور نیستند.

آن کسی که فریب‌خورده است فقط و جنایتی نکرده آن را باید متنبه کرد، باید موعظه کرد، باید هدایت کرد، باید از او پرسید: این حرکت تو کمک به پیشرفت ایران است یا ضد پیشرفت ایران است؟ او را باید وادار کنی به فکر کردن. آن کسی که بی‌توجه به خواسته دشمن همراهی با او می‌کند باید بیدارش کرد.

آن کسی که عامل جنایت است، یا قتل یا تخریب یا تهدید، تهدید؛ اینها بایستی مجازات بشوند. به اندازه گناه خودشان باید مجازات بشوند. عامل قتل یک‌جور، عامل تخریب یک‌جور، آن کسی که اینها را بسا تبلیغات وادار به این کارها می‌کند یک‌جور، هرکدام به اندازه خودشان باید مجازات بشوند.

البته مجازات به وسیله قوه قضائیه است، اینجا عرض بکنیم هیچ‌کس خودسرانه حق ندارد به خیال خودش کسی را مجازات کند. پس ما هم نصیحت

در همه عرصه‌های علمی، هنری، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و معنوی است.

مشکل غرب، استکبار، با جمهوری اسلامی این است که جمهوری اسلامی دارد پیشرفت می‌کند، دارد رونق می‌گیرد، این پیشرفت را همه دنیا دارند می‌بینند و به آن اعتراف می‌کنند، این برای غرب غیر قابل تحمل است، این را حاضر نیست تحمل کند. اگر ما پیشرفت نمی‌کردیم، اگر ما حضور قدرتمند در منطقه از خودمان نشان نمی‌دادیم، اگر ما در مقابل آمریکا و استکبار صدای مان می‌لرزید، حاضر بودیم زورگویی آنها، قلدری آنها را قبول بکنیم، این فشارها کمتر می‌شد؛ البته می‌آمدند تسلط پیدا می‌کردند، اما دیگر تحریم و این فشارها و این چالش‌های این‌جوری کم می‌شد.

هر وقت جمهوری اسلامی در این سال‌ها چون اوضاع مختلف بوده دیگر، می‌دانید خودتان- هر وقت صدای قدرتمندی جمهوری اسلامی بلندتر بوده، تلاش دشمن برای پنجه زدن به جمهوری اسلامی بیشتر بوده.

آتهایی که پشت صحنه اغتشاشات را دارند می‌چرخانند، می‌خواستند مردم را بیاورند در صحنه، حالا که نتوانستند، می‌خواهند شرارت کنند؛ بلکه بتوانند مسئولان کشور را و دستگاه را خسته کنند. اشتباه می‌کنند؛ این شرارت‌ها موجب می‌شود مردم خسته بشوند، از آنها بیزارتر بشوند، از آنها متنفرتر بشوند. حالا که مردم از این اثرات متنفرند، ادامه این کار موجب می‌شود تفر مردم بیشتر بشود. حالا، مطلب اول اینکه حوادثی از این قبیل، بله، برای مردم مشکل درست می‌کند، در خیابان‌ها دگانت را باید ببندی، مانعیت را باید نگه داری، چه کنی، مشکلاتی درست می‌کند، جنایت‌هایی هم خب انجام می‌دهند، تخریب می‌کنند، چه می‌کنند، لکن اینهایی که در صحنه هستند و آتهایی که پشت صحنه هستند، بسیار حقیر تر از آن هستند که بتوانند به نظام آسیب بزنند. این بساط شرارت جمع خواهد شد بدون شک آن وقت ملت ایران با نیروی بیشتر، با روحیه تازه‌تر وارد میدان، در میدان به پیشرفت ادامه خواهد داد.

حالا آنها این اغتشاشات را به اصطلاح یک تهدیدی دانستند علیه ملت ایران. ملت ایران از این اغتشاشات استفاده کرد و حقیقت خودش و جهت‌گیری خودش را نشان داد؛ کجا؟ در سیزده آبان. امسال سیزده آبان با همه سال‌های قبل فرق داشت. ملت عظیم ایران در سیزده آبان آمدند علیه آمریکا شعار دادند؛ یک نمونه سیزده آبان.

یک نمونه این تشییع این شهید، یک شهید عزیز به شهادت می‌رسد این روزها، همین شهدای عزیز

مشکل استکبار با جمهوری اسلامی ایران این است که اگر جمهوری اسلامی پیشرفت بکند و رونق بگیرد و جلوه کند، در دنیا منطق لیبرال دموکراسی دنیای غرب باطل خواهد شد. غربی‌ها توانستند با منطق لیبرال دموکراسی بیش از دو قرن همه دنیا را غارت کنند. یک جا گفتند اینجا آزادی نیست، یک جا گفتند دموکراسی نیست وارد شدند. به بهانه ایجاد دموکراسی، اموال آن کشور خزان آن کشور را، منابع آن کشور را غارت کردند. اروپا قیر ثروتمند شد به قیمت به گل نشستن بسیاری از کشورهای ثروتمند مثل هند و چین. حالا ایران استعمار مستقیم به آن صورت نشد، اما اینجا هم هر چه توانستند کردند.

عده‌ای در داخل بر مبنای تبلیغات غرب، می‌گویند در نظام اسلامی آزادی و مردم سالاری نیست در حالی که بیان همین سخنان نشانه آزادی است و روی کار آمدن دولت‌هایی که از نظر تفکر سیاسی شباهتی به یکدیگر ندارند نیز نشانه حق انتخاب مردم و مردمی بودن نظام اسلامی است.

جمهوری اسلامی در مقابل آمریکا و استکبار کوتاه می‌آمد و زیربار قلدری و زورگویی آنها می‌رفت، فشارها کمتر می‌شد اما آنها بر کشور مسلط می‌شدند، در این سال‌ها هر گاه صدای قدرتمندی جمهوری اسلامی بلندتر بوده است، تلاش دشمن برای پنجه زدن به نظام اسلامی بیشتر شده است.

کارزار اساسی ایران و استکبار، آمریکا در خط مقدم قرار دارد و اروپا پشت سر آمریکا ایستاده است، در طول سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همه رؤسای جمهور آمریکا اعم از کارتر، کلینتون و اوبامای دموکرات، و ریگان، بوش و آن سبک مغز قبلی جمهوری خواه تسارنپس جمهور فعلی بی‌هوش و حواس کم می‌خواهد مردم ایران را نجات دهد، همه در مقابل جمهوری اسلامی ایران ایستادند و از هر کسی هم که توانستند از جمله رژیم صهیونیستی به عنوان سگ هار و زنجیری خود و برخی کشورهای منطقه کمک گرفتند.

با وجود همه این تلاش‌ها، دشمنان ملت در مجموع ناکام ماندند، البته مشکلاتی همچون تحریم، ترور دانشمندان هسته‌ای، با بکارگیری انواع شگردهای سیاسی و امنیتی و دادن رشوه به عده‌ای در داخل برای حرف زدن علیه جمهوری اسلامی، به وجود آوردند ولی نتوانستند حرکت ملت ایران را متوقف کنند.

در شرایط فعلی که با چنین کارزار و چالشی مواجه هستیم، وظیفه آحاد مردم و مسئولان و همچنین روشنفکران، نخبگان، جوانان و جوامع علمی دانشگاهی و حوزوی، تلاش برای پیشرفت

مصونیت آدم کش



ثامنه اکوان
دبیر گروه بین الملل

روز جمعه گذشته، دولت آمریکا طی مشورتی تصمیم گرفت، به بن سلمان مصونیت قضایی دهد تا هیچ دادگاه آمریکایی نتواند او را به دلیل قتل خاشقچی محاکمه کند. این تصمیم با واکنش بسیار شدید و منفی رسانه‌ها و فعالان حقوق بشر رویه‌رو شد.

وزارت دادگستری آمریکا، طی یک رأی مشورتی حقوقی به این نتیجه رسید که محمد بن سلمان در اتهامات قتل «جمال خاشقچی» و روزنامه‌نگار منتقد ریاض مصونیت دارد. این نظر مشورتی در حالی اعلام شد که شکایت علیه ولی عهد سعودی و همراهان وی از جانب «خدیجه چنگیز» نامزد خاشقچی و «اسازمان دموکراسی در جهان عرب» در دادگاه فدرال واشنگتن در جریان است. قاضی این دادگاه تا نیمه شب پنجشنبه (۱۷ نوامبر) به دولت آمریکا مهلت داده بود تا درباره درخواست وکیل بن سلمان مبنی بر اعطای مصونیت قانونی به موکلش به دلیل موقعیت بالای وی اظهار نظر کند. فعالان حقوق بشر و مخالفان سعودی از تصمیم برای اعطای مصونیت به محمد بن سلمان انتقاد

کردند، در حالی که واشنگتن تأکید کرد: «این تصمیم بر اساس قوانین عمومی است و بر محتوا و ماهیت پرونده قتل خاشقچی تأثیری ندارد.» اقدام دولت آمریکا در حالی صورت می‌گیرد که جو بایدن در سخنرانی‌های انتخاباتی خود در سال ۲۰۲۰، وعده داده بود، قاتلان جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار سعودی را محاکمه می‌کند. او همچنین وعده داده بود، با بن سلمان در این خصوص برخورد خواهد کرد و با او وارد تعامل نخواهد شد. افزایش قیمت سوخت و تصمیم دولت عربستان برای کاستن از میزان تولیدات نفتی خود که باعث افزایش قیمت نفت در فصل سرد سال می‌شد، باعث شد بایدن و کشورهای اروپایی با مشکلات زیادی رویه‌رو شوند. دولت آمریکا و کنگره این کشور وعده دادند، با اقدامات بن سلمان در این خصوص مقابله می‌کنند و مجلس نمایندگان آمریکا به دنبال لغو قراردادهای ارسال سلاح به عربستان بود؛ اما این تصمیم وزارت دادگستری آمریکا نشان داد، دولت جو بایدن بسیار بیشتر از ترامپ در مقابل عربستان و منابع نفتی اش ضعیف دارد.

این در حالی است که طی چند ماه گذشته سرکوب مخالفان در عربستان با موج قابل توجهی ادامه دارد و چند فعال حقوق بشری به حبس‌های طولانی و عجیب و تا ۴۵ سال زندان محکوم شده‌اند، در حالی که جرم آنها صرفاً فعالیت در

شبکه‌های اجتماعی و انتشار توییت بوده است. بر همین اساس بسیاری از ناظران پیش‌بینی می‌کنند، محمد بن سلمان در صورت رسیدن به پادشاهی پایه‌های قدرت خود را با همان سیاستی بنا خواهد کرد که هنگام رسیدن به منصب ولی‌عهدی در دستور کار قرار داده بود. جان کری، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا در سخنانی درباره اعطای مصونیت به محمد بن سلمان، ولی‌عهد عربستان سعودی در پرونده قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد سعودی در استانبول و متهم شدن واشنگتن به مقدم دانستن صادرات اسلحه و مبادلات تجاری و اقتصادی بر موضوعات حقوق بشری به دلیل اتخاذ این تصمیم، اظهار کرد: «این موضوع هیچ ارتباطی به روابط دو جانبه با عربستان سعودی که در حال حاضر در پی تصمیم اوپک پلاس دچار تنش است، ندارد.» وی همچنین گفت: «این تصمیم صرفاً وجهه حقوقی دارد.» در همین حال «ودانت پاتل» معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز درباره دلایل اتخاذ این تصمیم اعلام کرد: «دولت جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا تصمیم گرفت به محمد بن سلمان در پرونده‌ای که خدیجه چنگیز، نامزد جمال خاشقچی علیه او مطرح کرده، مصونیت بدهد، چرا که محمد بن سلمان سمت نخست‌وزیری را در عربستان برعهده دارد.»

این تصمیم آمریکا واکنش خدیجه چنگیز، نامزد جمال خاشقچی را به همراه داشت و وی در توییتهای خود بار دیگر پول تأثیرگذارتر بود.



پنجره

بازگشت ماهاتیر

نگاهی به انتخابات پارلمانی مالزی

جمله ماهاتیر محمد که بیش از دو دهه در این کشور حکومت کرد و در ۹۷ سالگی خود را برای آخرین بار به چالش کشیده است، البته او رقیب اصلی به‌شمار نمی‌آید. چنانچه انور ابراهیم به مقام عالی نخست‌وزیری دست یابد، این نشان‌دهنده مسیری قابل توجه برای سیاستمداری خواهد بود که طی ۲۵ سال از وارث مسلم نخست‌وزیری به یک زندانی سیاسی و سپس به چهره برجسته اپوزیسیون این کشور تبدیل شده است. ماهاتیر محمد که رکورد مسن‌ترین رهبر سیاسی جهان را به نام خود ثبت کرده، یکی از نامزدهای انتخابات سراسری پارلمانی در مالزی به‌شمار می‌آید. نخست‌وزیر سابق مالزی هم‌اکنون رهبری ائتلاف «انجمن ملی مبارز» را به‌عهده دارد که چندین حزب کوچک و شماری از سزاسازان‌های غیردولتی را به خود اختصاص می‌دهد. با وجود نظرسنجی‌ها، حتی اگر انور ابراهیم بیشترین آرا را به دست آورد، ائتلاف‌های رقیب می‌توانند ائتلافی را تشکیل دهند. نظرسنجی‌ها هم از تعداد قابل توجه رأی‌دهندگان بلاکلیف حکایت دارند.

مردم مالزی برای شرکت در انتخابات پارلمانی به پای صندوق‌های رأی رفتند، اما ممکن است این روند به مرحله اخیری نرسد؛ زیرا نظرسنجی‌ها برنده مشخصی را پیش‌بینی نکرده‌اند. در عین حال، رقابت میان دو رقیب قدیمی سیاسی در مالزی، یعنی «انور ابراهیم» و «ماهاتیر محمد» است که پیش از این نیز رقابت‌های بسیار سختی را با یکدیگر داشته‌اند. پیش‌بینی می‌شود ائتلاف انور ابراهیم، رهبر دیرینه اپوزیسیون مالزی بیشترین کرسی‌های پارلمانی را به خود اختصاص دهد، اما نتواند اکثریت مورد نیاز برای تشکیل دولت را به دست آورد؛ زیرا او با بلوک‌هایی به رهبری «اسماعیل صبری یعقوب»، نخست‌وزیر فعلی و «معی‌الدین یاسین»، نخست‌وزیر پیشین مالزی رویه‌روست. چنانچه این ائتلاف برنده مشخصی نداشته باشد، بلاکلیفی سیاسی ممکن است ادامه یابد و این در حالی است که مالزی با کاهش رشد اقتصادی و افزایش تورم مواجه است. مالزی در همین چند سال سه نخست‌وزیر داشته است، از

پیشخوان

رقابت سخت



پس از مشخص شدن نتایج انتخابات مجلس نمایندگان و سنای آمریکا، رقابت‌های انتخاباتی برای تعیین رئیس مجلس نمایندگان به نقطه اوج خود رسیده است. رئیس جدید مجلس نمایندگان آمریکا باید حداقل ۲۱۸ رأی در صحن مجلس داشته باشد تا بتواند با اکثریتی قاطع، به این سمت انتخاب شود. این در حالی است که انتظار می‌رود، کوین مک کارتی، نامزد جمهوری خواهان برای ریاست مجلس نمایندگان راه سختی برای دریافت ۲۱۸ رأی داشته باشد. به گزارش روزنامه «نیویورک تایمز»، یکی از مهم‌ترین مشکلات مک کارتی، حمایت ترامپ از اوست. این مسئله در بین اعضای حزب جمهوری خواه در مجلس نمایندگان فاصله انداخته و باعث شده است، برخی از نمایندگان جمهوری خواه که مخالف نفوذ داشتن ترامپ در کنگره هستند، با ریاست او بر مجلس مخالف باشند. با این حال روز سه‌شنبه هفته گذشته حزب جمهوری خواه در نهایت مک کارتی را برای ریاست مجلس انتخاب کرد و باید دید آیا در داخل مجلس نمایندگان نیز او می‌تواند حد نصاب لازم برای ریاست را به دست بیاورد یا نه. در مجلس سنا نیز رقابت سختی بین سناتورهای طرفدار ترامپ و سایر نمایندگان این مجلس برای ابقای میچ مک کاتل به عنوان رهبر نمایندگان جمهوری خواه وجود دارد.

هشدار در مورد مرگ



هفته گذشته بسیاری از رسانه‌های انگلیسی عکس یک کودک دو ساله اواب ایشاک را به تیتس یک خود تبدیل کرده و مرگ او در خانه‌اش را مایه شرمساری انگلستان و سیستم استاندارد خانه‌های مسکونی دانستند. این کودک دو ساله به علت حساسیت و مسمومیت ناشی از کپک موجود در دیوارهای خانه‌اش، جان خود را از دست داد و این مسئله چالشی بزرگ برای سیستم مسکن انگلستان به وجود آورد. پزشکی قانونی در این خصوص اعلام کرد، در معرض کپک بودن، در خانه‌ای قدیمی باعث مرگ این کودک شده است و دولت انگلستان باید فکری به حال ساختمان‌های قدیمی و نمود این کشور کند و اجازه ندهد این خانه‌ها به خانواده‌های نیازمند اجاره داده شده یا فروخته شوند. روزنامه انگلیسی «ایندپندنت» اعلام کرده است، به دلیل افزایش قیمت انرژی در انگلستان، خانه‌های بیشتری در زمستان نمی‌توانند گرم شوند و همین مسئله باعث ایجاد کپک در دیوارها و کف خانه‌ها می‌شود که برای کودکان به شدت سمی و مهلک است. این روزنامه اعلام کرده است، با توجه به افزایش روز افزون قیمت انرژی در این کشور در زمستان سال جاری نیز انتظار می‌رود خانواده‌های زیادی نتوانند خانه خود را گرم نگه دارند و این مسئله باعث افزایش مرگ و میر کودکان ناشی از کپک و قارچ‌های داخل منازل می‌شود.

تحلیل

ترامپ در دادگاه

دادستان ویژه برای پرونده رئیس‌جمهور پیشین آمریکا

این دادستان و بازرس ویژه، سه روز پس از اعلام رسمی دونالد ترامپ برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ انجام می‌شود. ترامپ این اقدام دستگاه قضایی آمریکا را «بدترین نوع سیاسی کاری عدالت در کشور» توصیف کرد و در گفت‌وگو با «فاکس نیوز» گفت: «من اعلام نامزدی کردم و سپس آنها یک دادستان ویژه منصوب کردند.» وی در این باره مدعی شد: «شش سال است که بی‌گناهی من درباره همه چیز ثابت شده، از استیضاح قلابی تا رابرت مولر که در پایان هیچ تباری (بین ترامپ و دولت روسیه) پیدا نکرد. آیا باید من بیش از این ادامه بدهم؟ پذیرفتنی نیست. منصفانه نیست، خیلی سیاسی کاری است.» رابرت مولر بازرس ویژه پیشین پرونده ترامپ بود و تحقیقات مربوط به «تباری ترامپ با دولت روسیه» را پیگیری می‌کرد؛ دموکرات‌ها مدعی هستند دونالد ترامپ سال ۲۰۱۶ در تباری با دولت روسیه و هک کارزار انتخاباتی دموکرات‌ها و «هیلازی کلینتون»، رقیب دموکراتش موفق شد پیروز انتخابات و رئیس‌جمهور آمریکا شود.

در ادامه افزایش تنش داخلی بین جمهوری خواهان و دموکرات‌ها، دستگاه قضایی آمریکا بازرس و دادستان ویژه برای پرونده رئیس‌جمهور پیشین این کشور منصوب کرده که تخصص آن بررسی جنایات جنگی است. «مریک گارلند» وزیر دادگستری و دادستان کل آمریکا اعلام کرد: «جان جک اسمیت» را به سمت بازرس و دادستان ویژه پرونده دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین این کشور منصوب کرده است. رئیس‌جمهور پیشین آمریکا به نگهداری اسناد محرمانه در محل اقامتش در فلوریدا و نقش آفرینی در حمله هوادارانش به کنگره در ۶ ژانویه ۲۰۲۰ پس از شکست در انتخابات ریاست جمهوری متهم است. آخرین منصب بازرس ویژه پرونده ترامپ، دادستان جنایت جنگی در دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه بوده است. وزیر دادگستری او را «دادستانی حرفه‌ای و کهنه‌کار» معرفی کرده است که در این پرونده اجازه دارد «هر جرم و جنایت فدرالی را که از تحقیقات این پرونده بیرون می‌آید، پیگیری کند. انتصاب

چین تهدید نیست

نخست‌وزیر انگلیس گفت: «به جای اینکه چین را نوعی «تهدید» ببیند، آن را نوعی «چالش» تلقی می‌کند و با وجود دیدگاه‌ها و ارزش‌های متفاوت میان این دو کشور، لندن همچنان به کمک پکن در خصوص مسائل جهانی نیاز دارد.» ریشی سوناک، در حاشیه نشست گروه ۲۰ به خبرنگاران گفت: «چین بی‌شک به جای تهدید سیستماتیک، یک چالش سیستماتیک برای ارزش‌ها و منافع ما محسوب می‌شود. اما با وجود همه اینها، رهبران جهان نمی‌توانند نفوذ و قدرت چین را در روابط جهانی نادیده بگیرند.» وی افزود: «مسئله چین نقش‌انکارناپذیری در اقتصاد جهانی دارد و ما بدون گفت‌وگو با پکن، قادر به مرتفع کردن چالش‌های جهانی نیستیم.»



۲۰۲۴ نمی‌آیم

میشل اوایما، همسر باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در مصاحبه با شبکه بی‌بی‌سی پیش از انتشار یک کتاب جدیدش با عنوان «نوری که حمل می‌کنیم» بیان کرد، تصمیم رأی‌دهندگان آمریکایی در سال ۲۰۱۶ برای جایگزین کردن دونالد ترامپ به جای باراک اوباما همچنان دردناک است؛ اما آن اتفاق این سؤال را به ذهن او متبادر کرد که آیا دوران حضور او و شوهرش در ریاست جمهوری آمریکا اهمیت داشته است؟ میشل اوایما در پاسخ به این پرسش که از چه سؤالی بیشتر متفر است، گفت، این سؤال که «آیا قرار است برای ریاست جمهوری نامزد شود؟» من از آن متنفرم!



تنهایی ترامپ

اندکی پس از آنکه دونالد ترامپ نامزدی خود در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا را اعلام کرد، ایوانکا ترامپ، دختر ارشد دونالد ترامپ در اینستاگرام خود نوشت: «این بار تصمیم گرفته‌ام فرزندان و خانواده‌ام را در اولویت قرار دهم. اگر چه همیشه دوستدار و حامی پدرم خواهم بود، اما از این پس این محبت را خارج از صحنه سیاسی نشان خواهم داد.» ایوانکا اوایل سال میلادی جاری با شهادت در کنگره آمریکا درباره حمله ششم ژانویه ۲۰۲۱ به ساختمان کنگره، اعلام کرد، با ابداعاتی پلدرش مبنی بر وقوع تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا موافق نیست.



یادداشت

تحول زمان می خواهد

مهدي ضيفمي

معاون سازمان توسعه و تجارت



در سال‌های گذشته، سه دفتر منطقه‌ای با عنوان دفتر عربی-آفریقایی، دفتر اروپا و آمریکا و دفتر شرق آسیا و اقیانوسیه در سازمان توسعه تجارت کشور وجود داشت؛ اما در ساختار جدید و بر اساس سیاست‌هایی که دولت جدید نسبت به توجه به بازارهای مختلف و افزایش صادرات غیر نفتی دارد، تعداد این دفاتر به شش دفتر شامل دفتر شرق آسیا و اقیانوسیه، شبه قاره هند، غرب آسیا، منطقه قفقاز، دفتر آفریقا و دفتر اروپا و آمریکا افزایش یافت. در واقع، در ساختار جدید تلاش می‌شود برخی اقدامات و فعالیت‌هایی که در سایه دیگر کشورها انجام می‌شد، به صورت مستقیم صورت بگیرد؛ برای نمونه آفریقا و تبادلات تجاری با کشورهای این قاره همواره زیر سایه کشورهای عربی بوده است؛ به گونه‌ای که در این سال‌ها، یعنی طی دهه‌های اخیر روی آفریقا تمرکز نداشته‌ایم و در خوش‌بینانه‌ترین حالت یک ورود مقطعی و سطحی به این حوزه وجود داشته است و به صورت برنامه‌ای منسجم که قابل توسعه و ادامه‌دار باشد، دیده نشده است؛ اما در سال جاری، میزان هیئت‌هایی که از آفریقا به ایران آمده و کمیسیون‌های مشترکی که برگزار شده، طی چند سال اخیر بی‌سابقه بوده است. این موارد تمرکز و توجه ویژه به این حوزه را نشان می‌دهد. البته بسیاری از اقدامات انجام شده جزء کارهای زیرساختی است و نتایج آن در میان‌مدت و بلندمدت مشخص خواهد شد.

ورود این نگاه جدید به حوزه تجارت خارجی ایران موجب شده است حتی کارهای موردی و عادی کشور در حوزه تجارت خارجی نیز با سرعت بیشتری پیگیری شود.

اقداماتی که در حوزه سیاست‌گذاری و زیرساختی است، در سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تعریف می‌شود. ضمن اینکه نتیجه و ثمره اصلی این اقدامات خودش را از میان‌مدت به بعد نشان می‌دهد که یکی از نمونه‌های این اقدامات افزایش تبادلات اقتصادی و روابط تجاری با روسیه است.

در حوزه روسیه، فروردین ماه امسال هینتی با حضور بیش از ۷۰ شرکت ایرانی به روسیه رفتند که این اتفاق در اعزام هیئت‌های تجاری خصوصی تا کنون سابقه نداشته است. این قبیل برنامه‌ها در کوتاه‌مدت خودش را از جنس روابط و بازخوردها نشان می‌دهد، اما در میان‌مدت قطعاً در افزایش میزان تبادلات و حجم تجارت با این کشور نمایان خواهد شد. کشور ما از ابتدا یک کشور واردات محور بوده است، یعنی همواره نفت فروخته و با درآمد آن واردات داشته است. برای همین بسیاری از مقررات ما با اولویت مسئله واردات نوشته شده و در بحث صادرات بسیاری از قوانین موجود برای دهه ۷۰ یا حداکثر اوایل دهه ۸۰ است، در حالی که ما در آن سال‌ها صادرات خاصی به جز چند محصول خاص، مانند فرش، پسته، زعفران و... نداشتیم و صادرات در حوزه صنایع‌های تک، مواد معدنی و پتروشیمی عملاً وجود نداشته است؛ اما الان که هم محصولات صادراتی ما و هم کشورهای واردکننده کالا از ما دارای تنوع شده‌اند، این مسئله به پیچیدگی اقتصاد کشور کمک می‌کند و اقتصاد ما را تحریم‌ناپذیرتر می‌کند.

گروه اقتصاد

صبح صادق

استاد اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) گفت: «تحقق بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش امنیت اقتصادی با مطالبه‌گری درست میسر می‌شود و پاسخ دادن به خواست دشمن برای ایجاد آشوب و بلوای اجتماعی نه تنها فایده‌ای ندارد؛ بلکه کاملاً مخرب و علیه منافع اقتصادی کشور است.»

به گزارش صبح صادق، «الله‌مراد سیف» اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) در گفت‌وگو با صبح صادق در خصوص ریشه‌های اعتراضات و آنچه به مسائل اقتصادی نسبت داده می‌شود، گفت: «قطع به یقین ما امروز در کشور دچار مشکلاتی هستیم که از جنس مدیریت اقتصادی است. اگرچه تمام این مشکلات قطعاً مربوط به دولت خاصی نیست. کما اینکه از روی کار آمدن دولت فعلی و به دست گرفتن سکان مدیریت کشور حدود یک سال و نیم می‌گذرد. در واقع، سایر دولت‌ها با اتخاذ سیاست‌های غلط و ناکارآمد در آنچه امروز به نام مشکلات اقتصادی می‌شناسیم، بسیار مقصر بوده‌اند. پس نکته اول این است که نمی‌توان مشکلات اقتصادی کنونی را فقط به این دولت و ناکارآمدی مسئولان فعلی نسبت داد.»

وی در خصوص ناآرامی‌های اجتماعی در چند هفته اخیر در کشور اظهار داشت: «هفته‌های گذشته در کشور شاهد ناآرامی‌هایی بودیم، نمی‌توان مطلقاً به اعتراضاتی از جنس مردم آن هم فقط در قالب اعتراض به مسائل اقتصادی و معیشتی نسبت داد؛ چرا که دشمن با پوشش دادن مسائل گوناگون، سعی کرد مردم به ویژه جوانان را برای ایجاد آشوب و بی‌ثباتی در یک جنگ ترکیبی وارد کارزار کند. البته در این بین دستگاه رسانه‌های خارجی و شبکه‌های فارسی‌زبان نیز بنزین روی آتش بوده و جوانان را تحریک کردند، پس بحران هفته‌های اخیر را نمی‌توان فقط و فقط ناشی از اعتراض به تورم یا مسائل اقتصادی دانست.»

الله‌مراد سیف در ادامه بیان داشت: «دشمن برای پیاده کردن برنامه بی‌ثباتی در ایران قطعاً به وجود سناریو یا سناریوهایی نیاز دارد. بنابراین، در وهله اول می‌تواند به سراغ سناریوی مسائل اقتصادی برود و از شرایط تورمی و چالش‌های کنونی اقتصاد ایران برای تحریک مردم و تحقق خواسته‌های خود استفاده کند.»

وی در این باره تصریح کرد: «بی‌شک ممکن است جوانانی که از شرایط اقتصادی و مشکلاتی چون بیکاری و... ناراضی هستند، برای اعتراض یا حتی اغتشاش و... تحریک شوند؛ اما قطعاً



بسیاری از آنها نمی‌دانند در دام دشمن افتاده و دشمن نگران آنها و خواهان بهبود معیشت و رفاه خانوار ایرانی نیست، بلکه از آنها برای تحقق مقاصد خود استفاده می‌کند، لذا جوانانی که بر اساس قاعده باید مشکلات، نارضایتی‌ها و اعتراضات اقتصادی آن به شیوه‌های دیگری به گوش مسئولان برسد، عملاً به پیاده نظام دشمن تبدیل می‌شوند و اینگونه عمل می‌کنند.»

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی خاطر نشان کرد: «بنابراین برای تحلیل وقایع هفته‌های اخیر نباید مسئله را دست کم گرفت یا به صورت تک‌بعدی فقط به اعتراض به مسائل اقتصادی مرتبط دانست؛ چرا که اصل آنچه عامل بحران هفته‌های اخیر و حضور برخی جوانان در کف خیابان شده، برنامه دشمن برای بی‌ثبات‌سازی ایران است تا در این صورت و با وجود چنین فضایی بتوانند توطئه‌های خود را یک به یک در این سرزمین محقق کنند.»

الله‌مراد سیف نقش تحریم‌ها را در افزایش مشکلات معیشتی مردم مؤثر خواند و گفت: «دشمنی که امروز در لباس حامی مردم ایران ظاهر شده، خودش این ملت را تحریم کرده و دغدغه‌های معیشتی آنها را افزایش داده است؛ به گونه‌ای که در تمام سال‌هایی که تحریم‌های اقتصاد علیه اقتصاد ایران اثرگذار بوده، مردم دغدغه معیشتی داشته‌اند و با وجود تحریم‌ها و لغو نشدن تحریم‌ها قطعاً این دغدغه‌ها به قوت خود باقی می‌ماند.»

وی درباره وجود سایر مشکلات اقتصادی و لزوم مدیریت درست دولت برای کاهش مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم گفت: «قطع به یقین تورم به دلیل افزایش نرخ کالاها و مواد اولیه و کمبودهای ارزی با ما همراه خواهد بود. بهتر است بگوییم تورم به منزله یک آسیب در کنار ماست، اما بحث اصلی این است که دولت باید کاهش نرخ تورم را به منزله یکی از اصلی‌ترین مطالبات مردم که این مطالبه و مشکل را بارها با دولتمردان مختلف در میان گذاشته

الله‌مراد سیف، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) در گفت‌وگو با صبح صادق

حامیان آشوب و تحریم‌کنندگان یکی هستند



و خواستار کاهش نرخ تورم شده‌اند، به جد مهم بدانند و برای رفع آن تلاش کنند؛ چرا که پاسخگویی به خواسته‌های معقول مردم بسیار مهم است.»

وی در این باره افزود: «به هر حال در شرایط تحریمی مردم نسبت به گذشته در تنگنا و فشار بیشتری قرار می‌گیرند؛ چرا که شرایط تحریمی مانند شرایط عادی نیست. برای نمونه، در ماه‌های گذشته و با شروع بحران اوکراین شاهد بودیم مردم اروپا نیز شرایط نامطلوب اقتصادی را تحمل کردند؛ به گونه‌ای که در حال حاضر مردم اروپا به دلیل گرانی سوخت تورم بالایی را تحمل می‌کنند که در نیم قرن اخیر در این کشورها بی‌سابقه بوده است.

امروز، اروپاییان در سرما زندگی می‌کنند و نسبت به مدیریت اقتصاد و تورم بالا گلایه‌مند هستند. پس در وضعیت بحرانی موجود در دنیا، فشار روی همه مردم در گوشه گوشه جهان تأثیر سوء می‌گذارد.»

این استاد اقتصاد گفت: «برای حل مشکلات اقتصادی باید دست به دست هم داد و با اتحاد و روی کار آوردن مدیران شایسته و اقتصاددانان نخبه، مسائل اقتصادی و معیشتی مردم را به درست‌ترین روش ممکن حل کرد تا شرایط به سمت بهبود پیش رود. قطع به یقین با وجود بحران‌های اجتماعی موجود، دولت نمی‌تواند برای حل مشکلات جامعه انرژی کافی بگذارد.

ضمن اینکه اعلام نارضایتی‌ها به این معنا نیست که می‌توانیم شرایطی را ایجاد کنیم که هیچ فردی در ایران نسبت به سیاست‌های اقتصادی و مدیریت اقتصاد ناراضی نباشد، بلکه باید شرایطی ایجاد شود که بیشتر مردم جامعه نسبت به وضعیت اقتصادی مطمئن باشند و دغدغه کمتری نسبت به تأمین معاش و آینده اقتصادی خود داشته باشند.»

وی در این باره افزود: «دولت سیزدهم در طول یک سال و نیم گذشته برای رفع رانت ارز ترجیحی و شفاف‌سازی اقتصاد تلاش‌های بسیاری کرده است. قطع به یقین یک جامعه آرام است که می‌تواند زمینه را برای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بهتر در مشکلات اقتصادی به صورت اساسی شود.»

عوض هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) درباره جوانان و اعتقاد نداشتن آنها به ایجاد آشوب اجتماعی گفت: «ممکن است برخی از جوانان ایرانی تحت فشار بیکاری یا نبود درآمد و... باشند؛ اما خوب می‌دانند که بخشی از شرایط امروز جامعه محصول تشدید تحریم‌ها و فشارهای خارجی است. جوان ایرانی در نهایت می‌داند که امنیت لازمه رشد و ثبات اقتصادی است؛ لذا وقتی با این جوانان صحبت شود، به سهولت می‌توان به این موضوع مهم پی برد که هیچ‌یک از آنها معتقد به ایجاد آشوب نیستند؛ بلکه به دنبال بهبود اوضاع و ایجاد امنیت اقتصادی هستند، پس برای بهبود وضعیت معیشتی و افزایش امنیت اقتصادی باید به سمت مطالبه‌گری درست رفت، نه اینکه به خواست دشمن برای ایجاد آشوب و بلوای اجتماعی پاسخ مثبت داد.»

این استاد اقتصاد خاطر نشان کرد: «دولت در فضای منطقی می‌تواند صدای اعتراض مردم را بشنود و برای مشکلات آنها و اعتراض واقعی به مسائل اقتصادی وارد عمل شود و راهکارهای منطقی و عملی را در دستور کار خود قرار دهد، بنابراین، برای حل مشکلات اقتصادی و مدیریت اقتصاد باید راهکارهای اقتصادی به کار گرفته شود و مردم دولت را با حمایت خود برای استفاده از راهکارهای اقتصادی کمک کنند، نه اینکه به دشمن اجازه دهند با ایجاد آشوب به نام اعتراض به مشکلات اقتصادی، مانع ورود دولت برای حل مشکلات اقتصادی به صورت اساسی شود.»

عوض هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) درباره جوانان و اعتقاد نداشتن آنها به ایجاد آشوب اجتماعی گفت: «ممکن است برخی از جوانان ایرانی تحت فشار بیکاری یا نبود درآمد و... باشند؛ اما خوب می‌دانند که بخشی از شرایط امروز جامعه محصول تشدید تحریم‌ها و فشارهای خارجی است. جوان ایرانی در نهایت می‌داند که امنیت لازمه رشد و ثبات اقتصادی است؛ لذا وقتی با این جوانان صحبت شود، به سهولت می‌توان به این موضوع مهم پی برد که هیچ‌یک از آنها معتقد به ایجاد آشوب نیستند؛ بلکه به دنبال بهبود اوضاع و ایجاد امنیت اقتصادی هستند، پس برای بهبود وضعیت معیشتی و افزایش امنیت اقتصادی باید به سمت مطالبه‌گری درست رفت، نه اینکه به خواست دشمن برای ایجاد آشوب و بلوای اجتماعی پاسخ مثبت داد.»

این استاد اقتصاد خاطر نشان کرد: «دولت در فضای منطقی می‌تواند صدای اعتراض مردم را بشنود و برای مشکلات آنها و اعتراض واقعی به مسائل اقتصادی وارد عمل شود و راهکارهای منطقی و عملی را در دستور کار خود قرار دهد، بنابراین، برای حل مشکلات اقتصادی و مدیریت اقتصاد باید راهکارهای اقتصادی به کار گرفته شود و مردم دولت را با حمایت خود برای استفاده از راهکارهای اقتصادی کمک کنند، نه اینکه به دشمن اجازه دهند با ایجاد آشوب به نام اعتراض به مشکلات اقتصادی، مانع ورود دولت برای حل مشکلات اقتصادی به صورت اساسی شود.»

افزوده

عقود بانکداری اسلامی

«مزارعه» یکی از عقود بانکداری اسلامی است که طی آن یکی از طرفین، زمین را برای مدت معینی به طرف دیگر می‌دهد که در آن زراعت کند و در آمد حاصل شده میان آنها تقسیم شود. طبق آیین‌نامه‌های موجود، بانک‌ها زمانی می‌توانند تسهیلات مزارعه را در اختیار کشاورزان قرار دهند که اراضی مزروعی در مالکیت یا تصرف آنها باشد. در این صورت علاوه بر اراضی مزروعی، حتی می‌توانند وسایل تولید و حمل و نقل را نیز طبق قرارداد تأمین کنند. البته این عقد در حال حاضر و به دلیل در اختیار نداشتن زمین‌های زراعی از سوی بانک‌ها کاربرد چندانی ندارد.



شاخص

رکود در انگلیس

«جرمی هانت» وزیر دارایی انگلیس با رونمایی از یک طرح جدید برای مقابله با «طوفان» اقتصادی، اعلام کرد، این کشور اکنون رسماً وارد یک رکود اقتصادی شده است که باید برای مقابله با آن برنامه ریزی کرد. رکود به کاهش فعالیت‌های اقتصادی گفته می‌شود که در آن تولید ناخالص داخلی یک کشور برای دو فصل متوالی کاهش می‌یابد و در نتیجه، بودجه ملی معمولاً درآمد کمتری از مالیات دریافت می‌کند؛ زیرا کسب‌وکارها در درآمد کمتری کسب می‌کنند، دستمزدها کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد. رکود یکی از شاخص‌های منفی در عملکرد دولت‌ها است.



منهای نفت

آموزش هماهنگ

یکی از اقداماتی که باید در راستای بی‌نیازی کشور از درآمد نفتی انجام داد، تحول در نظام آموزشی کشور است. ایجاد هماهنگی میان سیاست‌های آموزشی نظام آموزشی رسمی و غیر رسمی، همکاری متقابل دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های تولیدی و آموزشی، بازرگاری و هماهنگ‌سازی شاخص‌های ارتقای اعضای هیئت علمی و معلمان به منظور بهره‌برداری از ظرفیت‌های دانشگاه‌ها در ارتقای بخش‌های اقتصادی، بازرگاری در نظام برنامه‌ریزی آموزشی، تدوین نظام دیده‌بانی نظام آموزش عالی و آموزش‌های مهارت، ایجاد و بهره‌برداری متقابل از سازوکارهای اجرای آموزش‌ها از جمله راهکارهای این تحول است.



تقویم انقلاب

دولت شهید رجایی و جنگ

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



برحسب رهنمودهای امام خمینی (ره) که فرمودند «جنگ در رأس امور است» شهید رجایی، نخست‌وزیر وقت به درستی پیام امام(ره) را دریافت کرد و در مجموعه نخست‌وزیری را به عنوان «ستاد جنگ» به کار گرفت تا فرمان امام(ره) عملیاتی شود و افزون بر آن نیازمندی‌ها را تأمین کند و به مشکلات ناشی از جنگ اشراف داشته باشند. البته در مباحث گذشته اشاره شد، به وزارت‌خانه‌هایی که در حوزه اقتصاد و معیشت و رفاه مردم مسئولیت مستقیم داشتند، با عنوان ستاد بسیج اقتصادی نقش داده شد. همچنین وی در اسکان آوارگان جنگی اهتمام کرد و بنیاد مهاجران جنگی ایجاد شد و در کنار رزمندگان می‌کوشید. از سوی دیگر، دولت به شرکت‌های تولیدکننده مواد غذایی مانند شرکت شلات دستور داد برای تأمین نیاز جبهه‌ها کار تولید را با ظرفیت کامل انجام دهند. تهیه جنگ‌افزار و خریدهای نظامی نیز از جمله وظایف دولت بود که از طریق وزارت دفاع تأمین می‌شد. البته وقوع جنگ تحمیلی مسائل و مشکلاتی در عرصه‌های مختلف پدید آورد که بخشی از امکانات و فرصت‌های دولتی را به خود اختصاص داد؛ معضلاتی، چون کمبود کالاها و گرانی، تورم افسارگسیخته، کاهش و اختلال جدی در امر صادرات و واردات. در چنین وضعیتی خرابکاری و غارت‌های گسترده گروه‌های سیاسی مسلح که از حمایت مالی و تسلیحاتی رژیم متجاوز بعث عراق و سایر کشورهای اروپایی و آمریکا ... و بر خوردار بودند و تلاش می‌کردند با تحریک قومیت‌ها در مناطق مرزی ایران به ویژه خوزستان، کردستان، بلوچستان و ترکمن‌صحرا علیه دولت فعالیت کنند و به اختلافات سیاسی-اجتماعی و فرهنگی دامن بزنند. در این زمینه هم الزاماً باید تدابیر لازم انجام می‌گرفت. دولت شهید رجایی هم موضوع دامنه توطئه‌گران و گرفتاری ناشی از دشمنی دشمنان را به خوبی فهمیده بود و باور داشت، خرید سلاح و داشتن سلاح به تنهایی کافی نیست؛ چون هر چه در این راستا بیشتر ورود شود، خواست دشمن عملی می‌شود. شهید رجایی، نخست‌وزیر وقت معتقد بود: «باید ارتشی را پشتیبان انقلاب قرار دهیم که جنگ‌افزارش را خودش تهیه کند؛ چون او روی دیگر جنگ را می‌دید. شهید رجایی به درستی درک کرده بود که ایران نمی‌تواند دشمن را با سلاح‌هایی که از خود او گرفته، شکست دهد. وی به همین راهبرد اعتقاد جدی داشت که در تبیین و توجیه آن می‌گفت: «به منظور مقابله هرچه بیشتر با دشمنان، طرح بسیج مردم برای مقابله با این جنگ در طرح‌های دولت گنجانده شده است؛ زیرا این جنگ جنگی نیست که طرف چند روز تمام شود و این نه به لحاظ آن است که عراق قدرت دارد و می‌تواند برای مدتی در مقابل رزمندگان ما مقاومت کند؛ همانطور که بارها گفته‌ایم، این عراق نیست که با ما می‌جنگد؛ بلکه ابرقدرتی مانند آمریکاست. با اسلحه‌های متعددی که در اختیار داریم و تا پایان جنگ با این ابرقدرت مقابله کنیم. برای ما عراق خیلی زودتر از آنچه صاحب‌نظران تصور می‌کنند، به زانو در خواهد آمد؛ ولی دشمن اصلی ما آمریکا است که می‌خواهد در این جنگ فرسایشی اسلحه‌های ما تمام شود.

آغاز و پایان یک شورا

مراحل استقرار حکومت اسلامی و منطق امام خمینی (ره) - ۲



مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

شورای انقلاب را صادر کردند و در فرمان صادره با صراحت از تداوم مبارزه تا سقوط پهلوی سخن گفتند و شورای انقلاب را به تأسیس دولت انتقالی برای عبور از رژیم شاهنشاهی به رژیم جمهوری اسلامی مأمور کردند. با این حکم، شورای انقلاب با جدیت بیشتر و با محوریت آیت‌الله مرتضی مطهری کار خود را دنبال کرد و در راه استقرار نظام سیاسی جدید گام برداشت. بخش عمده‌ای از تصمیمات کشور پس از پیروزی انقلاب به این شورا واگذار شده بود. به تعبیر عباس شیبانی، «شورای انقلاب، جانشین «شاه و مجلسین» می‌شد و هر دو سمت را داشت، ولی انقلاب دعوت شدند که برخی از آنها از پذیرش مسئولیت صرف نظر کردند؛ برای نمونه، دکتر کریم سنجابی عضویت در شورای انقلاب را با وجود پیشنهاد آقایان مطهری و بهشتی نپذیرفت. عزت‌الله سحابی، از فعالان سیاسی ملی-مذهبی و یکی از اعضای غیر روحانی شورای انقلاب درباره اعضای آن می‌گوید: «آقای مهندس بازرگان، آقای صدر حاج سیدجوادی، پدر من، آقای مهندس کتیرایی، دکتر شیبانی، آقای دکتر سنجابی و بنده. ما را به عنوان اعضای غیرروحانی انتخاب کردند که با آن شش نفر روحانیون، مجموعاً شورای انقلاب را تشکیل دهیم. این اسامی را آقا تصویب کرده بود. آقای مطهری به من گفت: چهار نفر دیگر را هم که در خارج از کشور بودند؛ یعنی دکتر یزدی، بنی‌صدر، قطب‌زاده و حبیبی، بخش خارجی شورای انقلاب باشند و شما هم بخش داخلی.» حضرت امام(ره) در تاریخ ۲۲ دی ۱۳۵۷، فرمان تشکیل

شورای جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی ... و نیز از طریق شورای انقلاب انجام گرفت. به دنبال تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و استعفای دولت موقت، شورای انقلاب بیانیه مهمی خطاب به ملت صادر کرد و یادآور شد، مصمم است در فرصت محدودی، برگزاری همه‌پرسی درباره قانون اساسی، انتخابات مجلس شورای ملی و ریاست‌جمهوری و ... را به انجام برساند. متعاقب این بیانیه اعلام شد، شورا ترکیب تازه‌ای خواهد داشت و با ادغام دولت در شورا، اعضای جدید شورا انتخاب شدند و در اداره مملکت، اینگونه بین اعضای شورا تقسیم کار شد: آیت‌الله خامنه‌ای: دفاع و پاسداران، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی: وزارت کشور، شهید باهنر: آموزش و پرورش، آیت‌الله مهدوی‌کنی: کمیته انقلاب و دادگستری، آیت‌الله بهشتی: جهاد سازندگی، دکتر ابوالحسن بنی‌صدر: وزارت خارجه، دکتر معین‌فر: نفت، دکتر حسن حبیبی: آموزش عالی، مهندس عزت‌الله سحابی: برنامه و بودجه، دکتر میناچی: ارشاد ملی، آیت‌الله قدوسی: دادگاه انقلاب. با شروع کار مجلس و شورای نگهبان و دیگر نهادها، مسئولیت و ضرورت وجودی شورای انقلاب به پایان رسیده بود. بنابراین، در ۱۲ تیر ۱۳۵۹ آیت‌الله بهشتی اعلام کرد: «مسئولیت شورای انقلاب دو هفته دیگر پایان می‌یابد.» آخرین جلسه شورای انقلاب در ۲۶ تیر ۱۳۵۹ برگزار شد و حسن ابراهیم حبیبی، سخنگوی شورای انقلاب در آخرین مصاحبه خود پس از این جلسه اعلام کرد: «امروز با

رسمیت یافتن مجلس شورای اسلامی و کامل شدن اعضای شورای نگهبان قانون اساسی، کار شورای انقلاب که تاکنون وظیفه قانون‌گذاری را برعهده داشت نیز به پایان رسید.» در طول عمر چندین ماهه این شورا ترکیب اعضا به خوبی حکایت از آن دارد که شورای انقلاب هیچ‌گاه در انحصار یک جریان خاص قرار نداشت و افراد متنوعی با گرایش‌های فکری و سیاسی گوناگون در آن حاضر بوده و در تصمیمات اتخاذ شده نقش آفرینی کردند. در تصمیم‌گیری برای عضویت اعضا نیز نظرات همه افراد لحاظ می‌شد و اینطور نبود که برخی اعضا از جایگاه ممتازتری برخوردار باشند. در همین راستا، سخنان عزت‌الله سحابی شنیدنی است: «از کسانی که (برای عضویت در شورا) پیشنهاد شدند، یکی دکتر پیمان بود که بنده پیشنهاد کردم و پذیرفته هم شد و به شورای انقلاب پیوست. دیگری، آقای میرحسین موسوی بود که اعضای حزب جمهوری اسلامی پیشنهاد کردند، چون وی در آن زمان، روزنامه جمهوری اسلامی را در می‌آورد و کاملاً هم غرق در روزنامه بود. او بعدها هم نخست‌وزیر شد. مهندس موسوی به عنوان نماینده بخش روزنامه‌نگاران وارد شورای انقلاب شد. فرد دیگر، آقای مهندس احمد جلالی بود. آقای مهندس احمد جلالی، پیشنهاد قطب‌زاده بود، اما به عنوان یک شخصیت مذهبی و فعال در جریان انقلاب مطرح بود و پذیرفته شد. احمد جلالی با برنامه قرآن در صحنه با آقای طالقانی در تلویزیون چهره معرفی پیدا کرده بود. پیشنهادهای دیگری هم بود، مثلاً من پیشنهاد کردم که یک نفر از مجاهدین عضو شورای انقلاب شود که رد شد. حتی آقای طالقانی هم موافقت نکرد، اما به من گفتند که تو سنجگو و رابط مجاهدین باش و اگر آنان حرفی دارند، تو آن را منتقل کن. در آن زمان حضور نمایندگان از اقشار مختلف اجتماعی در شورای انقلاب پیشنهاد شد، اما با استقبال مواجه نشد.» به گفته عباس شیبانی، عضو دیگر شورای انقلاب «آن موقع بحث بود که اگر بتوانیم از اقشار مختلف افرادی را به شورای انقلاب بیآوریم که دیدگاه‌های دیگر هم در شورا مورد بررسی قرار بگیرد، بهتر است که دو قشر دانشجویان و کارگران-مخصوصاً کارگران «شرکت نفت» که ریشه اقتصاد کشور به شرکت نفت وابسته بود-بیشتر مدنظر بودند. گفتند کسی بیاید که روی کارگران شرکت نفت نفوذ داشته باشد و یک کارگر تهرانی را معرفی کردند. گفته شد اگر کارگر منتخب از آبادان و مناطق نفت‌خیز باشد، بهتر است. قرار بر این بود که فرد مورد نظر را پیدا و در آنجا مطرح کنند، اگر شورای انقلاب تصویب کرد، آن وقت عضو شورا شود؛ اینکه به انتخاب خودشان باشد، مطرح نبود، بلکه قرار بود فردی مورد قبول آنها باشد، نه اینکه آنها انتخاب کنند. البته شاید نظر بنی‌صدر این بود که دانشجویان نماینده انتخاب بکنند، اما آن موقع به دلیل اینکه جبهی‌ها و گروه‌ها در دانشگاه‌ها نفوذ داشتند، اصلاً این صحبت نبود که خود دانشجویان انتخاب کنند. نظر شورای انقلاب این نبود.»

حافظه

غارتگر بزرگ

مروری بر چگونگی سلطه اروپاییان بر جهان



پیر نیز نهادهای شده است. «بریتانیای کبیر» جزیره‌ای واقع در سواحل غربی اروپاست که بخش عمده سرزمین پادشاهی متحده را شامل می‌شود. این نام، نام رسمی مجموعه سه کشور است: دو پادشاهی انگلستان و اسکاتلند و شاهزادگنشین «ولز». اصطلاح «بریتانیای کبیر» برای اولین بار در زمان سلطنت «جیمز اول» پادشاه انگلستان (و جیمز ششم برای اسکاتلند) در سال ۱۶۰۳م استفاده شد. در عصر استعمار در سده‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی، کشورهای پرتغال و اسپانیا به منزله پیشروان و پیشانیان غارتگری، مستعمرات و مسیرهای بازرگانی بسیاری را در سراسر جهان تأسیس کردند و از این راه ثروت بسیاری اندوختند. در رقابت با آنها، کشورهای فرانسه، انگلستان و هلند نیز کوشش‌های خود را برای ایجاد مستعمرات و شبکه‌های تجاری در سرزمین‌های قاره آمریکا و آسیا افزایش دادند. ایجاد پادشاهی بریتانیای کبیر، پس از اتحاد پادشاهی‌های انگلستان و اسکاتلند و پیروزی این کشور در چندین جنگ بر فرانسه و هلند، بریتانیا را به قدرت استعماری برتر در آمریکای شمالی و شبه‌قاره هند تبدیل کرد.

دهلیز

نهادهای بین‌المللی

مروری بر شکل‌گیری شورای امنیت سازمان ملل

در جلسه شورا حضور داشت، اقدام نظامیان روسیه در جلوگیری از رفت و آمد به منطقه آذربایجان ایران را برخلاف پیمان سه‌جانبه ایران، انگلستان و شوروی (متعقد در ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲) و اعلامیه سه دولت بزرگ در تهران (مورخ ۱۹۴۳) و همچنین اصول حقوق بین‌الملل و اصول مندرج در مقدمه منشور ملل متحد دانست. مذاکرات شورا منجر به صدور قطعنامه مورخ ۳۰ ژانویه ۱۹۴۶ شد که طی آن از طرفین درخواست شد همانطور که خود اعلام آمادگی کردند مذاکرات مستقیم را برای یافتن راه حل موضوع مورد اختلاف شروع کنند. در بار دوم، یعنی در ۱۸ مارس ۱۹۴۶ ایران شکایت دیگری به شورا برد داتر بر اینکه اتحاد شوروی از تخلیه آذربایجان خودداری نموده و به مداخلات خود در امور داخلی ایران ادامه می‌دهد. مذاکرات شورا در این خصوص منجر به تشکیل یک کمیته فرعی برای رسیدگی به موضوع شد که آن هم به نتیجه‌منرسید.

سرانجام در تاریخ ۱۴ آوریل در جلسه‌ای که نماینده شوروی غایب بود، قطعنامه‌ای به تصویب شورا رسید که بر اساس آن با توجه به قولی که دولت شوروی برای تخلیه ایران در ظرف پنج تا شش هفته داده بود و با توجه به مذاکراتی که بین طرفین جریان داشت، رسیدگی به درخواست ایران را تا ششم ماه مه ۱۹۴۶ به تعویق انداخت.

مسئله نهادهای بین‌المللی و کارکردهای آن، به ویژه در نیمه قرن بیستم تا کنون، یکی از مسائل پرمناقشه سیاسی بوده است. در این میان، شورای امنیت سازمان ملل یکی از ارکان مهم سازمان ملل متحد است که وظیفه پاسداری از امنیت و صلح بین‌المللی را به عهده دارد؛ اما عملاً در بیشتر مواقع به ابزاری برای تحقق منافع قدرت‌های بزرگ بدل شده است، هر چند در این میان موارد استثنایی هم وجود دارد. جالب است که اولین جلسه شورای امنیت که در ۱۷ ژانویه ۱۹۴۶ در کلیسای «وست مینستر» لندن برگزار شد، به ایران اختصاص داشت. عباس هدایتی خمینی، نویسنده کتاب «شورای امنیت و جنگ تحمیلی» می‌نویسد: «نخستین موضوعی که در تاریخ شورای امنیت سازمان ملل، به این شورا برده شد درباره ایران بود. درباره شکایت ایران علیه دولت شوروی در خصوص مداخله آن کشور در امور داخلی کشورمان و عدم تخلیه نواحی شمالی ایران، این شکایت در دونوبت به عمل آمد: بار اول در ۱۹ ژانویه ۱۹۴۶، یعنی تنها دو روز پس از اولین نشست رسمی شورای امنیت و بار دوم در ۱۸ مارس ۱۹۴۶. جلسه اول در اعتراض به دخالت روس‌ها در امور داخلی ایران و بار دوم در اعتراض به عدم خروج نظامیان روسیه از نواحی شمالی ایران. در نوبت اول نماینده ایران که

سیاست نامه

سیدمحمد کاظم یزدی- ۵۳ درس‌های مشروطه



فتح‌الله پریشان دبیر گروه اندیشه

رهبر معظم انقلاب تنها راه برون‌رفت از شرایط جنگ ترکیبی امروز دشمن را توسل جدی به جهاد تبیین و ضرورت قطعی و واجب فوری دانستن آن می‌دانند. از این‌رو، در سخنرانی‌های مختلف «درس‌ها و عبرت‌ها» یک روند و رویداد را مرور می‌کنند. سه مورد را در شماره گذشته مرور کردیم.

۴- رهبری دینی در مشروطه و جمهوری اسلامی؛ امروز تحت تأثیر فضاسازی روانی و رسانه‌ای دشمنان هتک حرمت و توهین بیه روحانیت و در رأس آن رهبری دینی را در دستور کار جنگ شناختی خود قرار داده‌اند. این موضوع در مشروطه هم اتفاق افتاده بود؛ به گونه‌ای که در پرتو این فضاسازی علیه روحانیت و رهبری دینی در مشروطه، بعد از پیروزی ملت بر استبداد با سکنداری روحانیت، تحت تأثیر القانات جریان غرب‌گر اوروشفنگری بیمار، علما را کنار زدند و قیام ملت را از مسیر اصلی منحرف کردند. مشروطیت‌به جایی رسید که رضاخان قلدر، فردی که ضد همه آرمان‌های مشروطه خواهی بود، به حکومت رسید. البته انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل از مشروطه این درس را آموخت که قیام ملت را تحت رهبری و اقتیاد دینی به جلو ببرد و الا سرنوشتی چون انقلاب مشروطیت پیدا می‌کرد؛ اما امروز عده‌ای معطلود از معترضان و اغتشاشگران دنبال ایران منهای روحانیت و رهبری دینی هستند. اینن در حالی است که بیشترین خدمات به ایران و روند قدرت‌یابی آن در مقطع انقلاب و با

مدیریت همین روحانیت و رهبری دینی به وقوع پیوسته است. اما دشمن به جد وارونه‌نمایی دستاوردها و وقایع را دنبال می‌کند و تصویری مغلوط و مغشوش در اذهان می‌کارد تا مقصود خود را درو کند. ۵- مشروطه و راه آینده؛ مشروطه عده‌آنها عبرت‌گرفتن از شکست‌هاست.

این موضوع می‌تواند راه‌آینده را برای ملت ایران هموار کند. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، ایستادگی و استقامت مردم ایران را در دو برهه مشروطه و انقلاب اسلامی مقایسه می‌کنیم، این سؤال مطرح می‌شود که چرا در ادوار دیگر تاریخ از جمله در مشروطه همانند دوره انقلاب اسلامی ایستادگی نشان داد، در حالی که مردم ایران همواره غیور و مقاوم بوده‌اند؟ در این باره رهبر معظم انقلاب تأکید می‌کنند: «فضایای متعددی را در تاریخ گذشته چه در ماجرای مشروطه، چه قبل از آن، چه بعد از آن و چه در جنگ‌ها می‌توان مثال زد که حضور همگانی از همه جای کشور، با این استقامت، با این روشن‌بینی؛ آن‌هم به مدت چند سال، در گذشته دیده نشده بود. چرا در طول این یکی دو قرن گذشته شاید از دویست سال پیش به این طرف ایران در همه جنگ‌هایی که با همسایگان خود و دیگران داشته، شکست خورده است؛ مگر در همین جنگ تحمیلی هشت ساله که از همه جنگ‌هایی که ملت ایران در این مدت با آن مواجه شد، سخت‌تر و طولانی‌تر بود؟ این، سابقه ندارد... اینهارا می‌گویم تا فکر کنید و پاسخ درست سؤال را پیدا کنیم، تا بشود با یک فهم عقلانی درست، با هدایت عقلانی و محاسبه دقیق، راه آینده را پیدا کرد. همچنان که‌به فضل الهی، ملت ایران تا امروز، همین‌گونه حرکت کرده است.»

علت‌یابی اغتشاشات اخیر و ضرورت آرایش مناسب در برابر جنگ شناختی دشمن

جهاد تبیین و تداوم روند پیشرفت

◆ سبک زندگی و اغتشاشات

ماهیت فرهنگی و سبک زندگی، یکی از ویژگی‌های بارز اعتراضات و اغتشاشات اخیر است، با توجه به نحوه شروع و بررسی مجموع ویژگی‌ها و خاستگاه اغتشاشات، نمی‌توان علل اقتصادی تامه بر آن متصور بود، هرچند مسائو و مشکلات اقتصادی و معیشتی از عمده دلایل نارضایتی مردم است، با وجود این، قشرها و طبقات فرودست و محروم جامعه در این اعتراضات و آشوب‌ها شرکت نکردند. از طرف دیگر مهم‌ترین ویژگی بعدی این آشوب‌ها، تشدید و ضریب بالای جنگ شناختی دشمن است که در این راستا شبکه‌های ماهواره‌ای به صورت ۲۴ ساعته علیه جمهوری اسلامی ایران دروغ‌پردازی و سیاه‌نمایی کرده و در کنار این شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی نیز در هم‌افزایی تخریبی نقش ایفا کرد. در بسیاری از موارد مشاهده شد، دشمن با تکنیک‌های فریب رسانه‌ای آنچه در فضای رسانه‌ای و مجازی ترسیم و تصدیق می‌کرد، با آنچه در کف خیابان بود، هیچ تناسب و سنخیتی نداشت.

◆ علت‌یابی بروز اغتشاشات

مهم‌ترین علت مربوط به قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران در روند جهانی و تغییر معادلات منطقه‌ای و جهانی است؛ چراکه یک مدل جدید از حکمرانی که متفاوت با حکمرانی‌های مرسوم و لیبرال دموکراتیک و ارزش‌های لیبرالی است را به جهان عرضه می‌کند. در سند امنیت ملی آمریکا برای سال ۲۰۲۲ میلادی، به نام چند کشور به عنوان تهدید جدی اشارة شده‌که در عرصه اقتصادی چین و در عرصه نظامی روسیه و در عرصه تمدنی و ایدئولوژیک کشور ایران در رأس تهدیدات امنیتی آمریکا مطرح شده است. علت اساسی آن ارائه یک مدل جدید حکمرانی دینی و ارزشی از سوی جمهوری اسلامی ایران در برابر ایده اومانیستی غرب و ارزش‌های مادی آن است. این موضوع غرب را به لحاظ معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه سیاسی در تقابل و تضاد با جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد.

◆ قدرت‌یابی ایران

برخی از مهم‌ترین محورهای قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران در برابر آمریکا ورژیم غاصب

صهیونیستی و غرب که دشمن را به فکر تقابل و اتخاذ راهبرد اغتشاش از درون و فعال‌سازی شکاف‌ها انداخت، در ذیل اشاره می‌شود:

۱- قدرت و ظرفیت بالای تأثیرگذاری بر مناسبات و معادلات منطقه‌ای و جهانی؛

۲- ظرفیت و قدرت مدیریت تحریم‌های فلج‌کننده و عبور از آن؛

۳- ارتقای ظرفیت غنی‌سازی هسته‌ای و پیشبرد دانش هسته‌ای برای رشد و شتاب علمی و خودکفایی در عرصه‌های مرتبط با تولیدات و فناوری هسته‌ای و همچنین توسعه فناوری‌های فضایی و موشکی؛

۴- استقرار دولت انقلابی، معتقد به مبانی و اصول و هماهنگی و یکدستی سه قوه مقتنه، اجرایی و قضاییه برای عبور از موانع و مشکلات؛

۵- راهبرد روویکرد فعال نسبت به پیشینه‌سازی منافع ملی در ارتباط با شرق و عضویت در پیمان شانگهای؛

۶- آغاز روند تثبیت قیمت‌ها و کاهش نرخ تورم و کنترل نقدینگی و ثبات اقتصادی؛

۷- افزایش تولید و صادرات نفت و میعانات گازی، با وجود تشدید تحریم‌ها، و صادرات روزانه یک میلیون بشکه نفت در روز؛

۸- تولید واکسن کرونا و کنترل موفق بیماری کرونا در دولت سیزدهم؛

۹- حماسه بزرگ اربعین و نقش عظیم آن در اتحاد و تولید هویت اصیل اسلامی- انقلابی در برابر استکبار جهانی آمریکا؛

۱۰- تثبیت وضعیت سسوریه به عنوان محور ارتباط بسا مقاومت در برابر تلاش استکبار آمریکا و رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای مرتجع عربی برای جداسازی سسوریه از محور مقاومت، تثبیت اقتدار حزب‌الله که با یک هشدار باعث شد رژیم صهیونیستی در زمینه بهره‌برداری از میدان گازی مشترک عقب نشینی کند و به توافق برسند. از طرف دیگر تثبیت قدرت انصارالله در منطقه و ایجاد توازن قدرت در یمن.

◆ عبرت‌های برآمده از اغتشاشات

جنگ شناختی دشمن برای خنثی‌سازی در وهله اول به شناخت ابعاد آن و باور به این امر واقع نیاز دارد که کشور ما در حال تجربه جنگ شناختی با شدتی است که کم‌نظیر است. در مرحله بعد باید این موضوع در بین مسئولان و مردم جا بیفتد که باید در

□ آفاق □

چهره پنهان سیاست - ۶۲

نفوذ و روشنفکران ایران

آنها برای طراحی الگویی از نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. امام خمینی(ره) به درستی این بیماری را شناخته بودند. از این رو، در یکی از بیانات خویش فرمودند: «این کلمه دموکراسی که پیش شما اینقدر عزیز است یک مفهوم مُبّیئی ندارد.» (موسوی‌الخمینی، همان، ج ۱: ۹۵)

چالش‌افکنی‌های تئوریک جریان اسطوره‌زده غرب‌گرا با حمایت رسانه‌های غربی علیه گفتمان جمهوری اسلامی و دفاع از الگوی لیبرال دموکراسی به عنوان بهترین نظام سیاسی از یک سسو و انتقادناپذیری نسبت به لیبرال دموکراسی از سوی دیگر نشان از عمق نفوذ این اسطوره در بخشی از جریان‌های فکری و سیاسی در سال‌های پس از دفاع مقدس داشت. در این فضای اسطوره‌ای، حزب کارگزاران که در سال ۱۳۷۵ اتهام لیبرال بودن را نفی می‌کرد، از سال‌های ۱۳۹۰ به بعد از اینکه خود را لیبرال بنامند، ابایی نداشت. این نگاه، یادآور نام‌گذاری نهضت آزادی است که شهید بهشتی در واکنش به آن گفت: «وقتی که نهضت آزادی تشکیل شد، با خوشحالی از این خبر استقبال کردم و وقتی در اساسنامه از اسلام به عنوان یک مکتب و از نهضت آزادی به عنوان یک حزب اسلامی تمام عیار یاد نشده بود، به دوستان بنیانگذار نهضت آزادی انتقاد کردم و گفتم که این حزب مکتبی نیست، اسمش را هم گذاشته‌اید نهضت آزادی. آزادی که همه اسلام نیست، از مسائل مهم بشری است و از ارکان اسلام، ولی همه اسلام نیست…»

سیامک باقری

دکترای علوم سیاسی



□ تبیین □

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین - ۲۵

تبیین بدون فتنه‌انگیزی

امیر قلی‌زاده

کارشناس فرهنگی

یکی از آفت‌های جامعه اسلامی، مبتلا شدن آن به فتنه است؛ عوامل مختلفی در به پاشدن فتنه نقش ایفا می‌کنند. از نظر امیر مؤمنان علی(ع) ده فرد هستند که خودشان دچار فتنه شده و هم دیگران را مبتلا به فتنه می‌کنند که بعضی از این موارد می‌تواند به بحث تبیین ارتباط داشته باشند. در نگاه حضرت امیر(ع) اولین کسی که باعث فتنه در جامعه می‌شود، عالمی است که علمش کم است، اما خودش را به زحمتم می‌اندازد تا به دیگران علم زیادی تعلیم دهد. حضرت فرمودند: «ذُو الْعِلْمِ یَتَكَلَّفُ أَنْ یُعَلِّمَ النَّاسَ کَیْفَ» . یکی از ویژگی‌های تعلیم دادن بیه دیگران، فهم درست آن موضوع به بخواهد به دیگران چیزی را تعلیم کند، به ناچار باید برای تکمیل نداشته‌های علمی‌اش رو به سوی توجیه و بافته‌های جاهلانه فکری خویش بیابود تا بتواند جور چیسن جهل خود را کامل کند. علم کم باعث فتنه می‌شود؛ چون نداشتن علم کافی در موضوعی سبب می‌شود تا کسانی که از آن علم استفاده می‌کنند، به خطر بیفتند.

دومین عاملی که باعث فتنه‌انگیزی است، «الرِّجْسُ الْعَلِیْمُ ذُو الْعِلْمِ الْکَثِیْرِ لَیْسْ یَذِی فِیْئَةً…»؛ «مرد بردباری که دانشش بسیار است، ولی باهوش نیست… . معروف است که یک من علم راده من عقل باید؛ یعنی حکمت بدون زیرکی معنا ندارد؛ حکمتی که در آن زیرکی



آثار تکراری

ندا کرمانشاهی

خبرنگار فرهنگی

سریال‌های تلویزیون در دو ماه از فصل پاییز به پایان رسید؛ «آتش سرد» و «بی‌همگان». دو سریالی که بدون اغراق می‌توان گفت، از جمله سریال‌های ضعیف چند سال اخیر صدا و سیما بوده‌اند. سریال‌هایی با فیلمنامه‌های ضعیف؛ یکی کاملاً تکراری و دیگری که غیر تکراری است، کاملاً نامتعارف و دور از واقعیت.

به نظر می‌رسد، هیچ گونه سخت‌گیری‌ای برای مجوز دادن به فیلمنامه‌های چنین سریال‌هایی در رسانه ملی وجود ندارد. فیلمنامه سریال شبکه دوم سیما (آتش سرد) هیچ تفاوتی با سریال چند ماه پیش شبکه سوم با نام «بی‌نشان» ندارد. سریالی که پخش آن حتی به اوایل سال جاری نیز نمی‌رسد؛ بلکه دقیقاً قبل از سریال «آتش سرد» و در شهریورماه پخش می‌شد، با همان بازیگر اصلی، یعنی پرویز فلاحی‌پور!

شاید یک بازیگر راضی باشد در یک نقش شبیه به هم؛ اما در دو سریال متفاوت بازی کند؛ ولی مدیران و مسئولان فرهنگی که قرار است مجوز مصرف پول بیت‌المال را برای تولید یک اثر بدهند، باید خیلی هوشمندانه‌تر از اینها برخورد

کرده و سعی کنند از آثار جدید حمایت کنند. در هر دو سریال چه بی‌نشان و چه آتش سرد، ماجرا اختلاف بین دو پدری است که فرزندان‌شان با هم ازدواج کرده‌اند. یک پدر بر حق است و دیگری ناحق. همین باعث می‌شود که فرزندان ازدواج کرده زندگی‌شان دچار تنش شود. جالب این است که در هر دو سریال، نقش اصلی داستان یک جانباز است. در واقع، حتی نوع شخصیت پردازی‌ها نیز تفاوت چندانی ندارد و می‌توان گفت از روی یک فیلمنامه، دو کار ساخته شده است.

♦ دنیای فانتزی

اما در سریال شبکه سوم سیما (بی‌همگان) که ناخودآگاه بیننده را به یاد سریال «افرا» می‌اندازد، از بازیگرانی استفاده شده است که در هر دو سریال حضور داشته‌اند؛ اما بدتر از این شباهت‌ها، فیلمنامه‌ای به دور از واقعیت و عرف جامعه است. فیلمنامه‌ای ضعیف که به نظر می‌رسد نویسنده آن، به جای اینکه مشکلات و معضلات این روزهای خانواده‌های ایرانی را به تصویر بکشد، در دنیایی به سر می‌برد که با دنیای واقعی و فرهنگ عامیانه ما ایرانی‌ها فرسنگ‌ها فاصله دارد.

سری ناخواسته همسر یک زن را به قتل

می‌رساند و بعد خانم برای اینکه رضایت بدهد تا او از زندان بیرون بیاید، با او ازدواج می‌کند! در این میان، مقتول پسری دارد که با این موضوع کنار نمی‌آید، اما با چند رفتار مهربانانه متهم به قتل، دچار تحول شده و از این پس به چشم پدر به قاتل پدر نگاه می‌کند!

داستانی با عشقی نافر جام شروع می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد برای تولیدکنندگان اثر، تعهدات ناشی از عشق هیچ ارزشی ندارد و همه چیز مانند کف روی آب است. در واقع می‌توان گفت، سازندگان این اثر برای اینکه داستان جدیدی ارائه دهند، به جاده خاکی زده‌اند؛ در حالی که قرار نیست با هر قیمتی داستانی جدید نوشت.

بدتر از تمامی این موارد پایان بسیار بد سریال «بی‌همگان» است؛ پایانی که بی‌سرانجام بوده و جالب‌تر اینکه با چند جمله شعاری درباره موضوع ارزشمند «تولید ملی»، سعی می‌کنند رنگ و بوی سریالی ارزشی را به آن بدهند. این در حالی است که در چنین زمانی، نه تنها این مدل شعارزدگی‌ها به دل مخاطب نمی‌نشینند، بلکه حتی آن را پس می‌زند.

♦ وعده بی‌سرانجام تحول

با وجود اینکه امید می‌رفت تیم جدید رسانه

یادداشت

چرا هنرمندان را تهدید می‌کنند؟

آرش فهیم

منتقد سینما



فشار بر هنرمندان برای فعالیت نکردن و دوری کردن از ارتباط با جامعه در آشوب‌های امسال، مسئله‌ای خلاف مسیر همه جنبش‌های اجتماعی مرفقی و آزادی‌خواه و رفتاری دیکتاتورمآبانه است؛ به ویژه آنکه هنرمندانی هدف ارباب اغتشاشگرها قرار می‌گیرند که افرادی سیاسی نیستند و محصول‌شان ارتباطی با حاکمیت ندارد؛ مانند اتفاقی که به تازگی برای «گلاب آدینه» رخ داد؛ این هنرمند با سابقه مدتی است نمایش «پرده خوانی» را روی صحنه برده است؛ اما او در مصاحبه‌ای با بیان اینکه «در این مدت بعضی برای من قاطعانه حکم کرده‌اند این تئاتر نباید اجرا شود» تصریح کرد: «این روزها بی‌شمار نظرات فحش و ناسزا و تهدید دریافت می‌کنم و این موضوع را قدری نگران‌کننده می‌دانم.»

در جریان انقلاب‌ها و جنبش‌های مردمی، هنرمندان از طیف‌های مختلف قدر و منزلت بیشتری می‌یابند. هنر از جنس‌رهایی است و هنر انقلابی و مردمی، مطالبه‌گر‌هایی همراه با رستگاری است. سال ۱۳۵۷ نیز با اوج گرفتن انقلاب اسلامی و همچنین پیروزی شکوهمند آن، هنرمندان، شاعران و نویسندگان در طیف‌های مختلف آزاد شدند و این آزادی را یافتند تا اندیشه خود را هر آن‌گونه که هست، در قالب آثاری هنری عرضه کنند.

اما جریانی که با شعار «زن، زندگی، آزادی» مدعی انقلاب جدید است، آداب‌هایی را سرلوحه عمل قرار داده که بیشتر یادآور کودتاچیان، تروریست‌ها و دیکتاتورهاست؛ رفتارهایی که از سوی افرادی، چون شعبان جعفری در جریان کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و دونالد ترامپ پس از شکست انتخاباتی سال ۲۰۲۰ در آمریکا بروز یافت و به نمادی از خودکامگی و ستیز با آزادی شناخته می‌شود.

یکی از ترفندهای کودتاچی‌ها و گروهک‌ها و جریان‌های سیاسی غیر مردمی-یا ضد مردمی- فشار آوردن به اصناف و اقشار مختلف برای پیروی اجباری از منشی و خواسته‌های آثارشیستی و فراقانونی آنهاست. این سنخ از جریان‌ها از این طریق سعی دارند تا خلا پشتوانه مردمی را جبران کرده و برای خودشان حمایت و همراهی کاذب درست کنند. مصداق بارز چنین روندی را در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ و به طور مشخص در مواجهه آشوبگرها با هنرمندان دیدیم. از همان نخستین روزهای درگرفتن بلوای خیابانی پس از درگذشت مهسا امینی، برخی هنرمندان فحش کردند که هدف تهدید مخالفان حاکمیت قرار گرفته‌اند که اگر به میل آنها رفتار نشود، با مخاطراتی روبه‌رو خواهند شد. همان طور که در روزهایی که فراخوان اعتصاب از سوی امرای فتنه صادر می‌شود، کسبه و بازاریان با تهدید حمله مواجه می‌شوند که اگر از کار و کسب خود دست نکشند، باید منتظر عواقب سختی باشند؛ اما هنر مانند گیاهی است که حتی سنگ را می‌شکافد و شکوف می‌شود. فشارهای اخیر اربابان آشوب و آمران به استبداد، نه تنها تأثیری بر خلاقیت هنرمند نخواهد داشت؛ بلکه موجب رسوایی این گروه اهل فشار و فاصله‌گیری هنرمندان واقعی و اصیل از آنها خواهد شد.



برداشت

دوستی پر بار

با هر ترفند و ابتکاری که به ذهن‌شان می‌رسد، باید تلاش کنند جامعه را با کتاب آشتی دهند؛ از ترویج عملی کتابخوانی از سوی والدین در محیط خانه گرفته تا کتابخوانی دسته جمعی در مدارس و مساجد و هیئت‌های مذهبی، یا کتابخوانی چند دقیقه‌ای در میان برنامه‌های تلویزیونی و ده‌ها روش مؤثر و کاربردی دیگر. خیلی‌ها از این روش‌ها و ابتکارات تا امروز هم پیاده شده و بی‌نتیجه هم نبوده، اما مسئله این است که تا این ابتکارات به صورت دائمی و منسجم دنبال نشود و دغدغه دائمی مردم نشود، امیدی به بهبود حال و روز «کتابخوانی» وجود نخواهد داشت.

«کتابخوانی» همین بس که وقتی نیم‌نگاهی به ناآرامی‌ها و اغتشاشات اخیر می‌اندازیم، متوجه می‌شویم که بخش عمده رفتارهای هیجانی نوجوانان و جوانان خطاکار و بازداشت شده، به دلیل تأثیرپذیری از هیجانات فضای مجازی و بازی‌های رایانه‌ای است و این تأثیرپذیری ناگوار هم ناشی از قهر با کتاب و فرهنگ مطالعه و نداشتن تحلیل درست از اتفاقات است که اینطور کار دست خودشان و جامعه می‌دهند. حالا هم تا دیر نشده و اوضاع کف جامعه بدتر از این نشده، باید راه حل مشکل را در دنیای فکر و مطالعه جست‌وجو کرد و همه فعالان فرهنگی و هنری

تلنگری به جامعه ایرانی زده شود که کتابخوانی و مطالعه را جدی بگیرد. جامعه‌ای که صبغه و سابقه تمدنی چند هزار ساله دارد و مهد فرهنگ بوده و هست، امروز به دلایل مختلف، گرفتار معضل قهر با کتاب شده است؛ حالا علت این معضل، غرق شدن در فضای مجازی و تبلت و تلفن همراه، بی‌برنامگی و تبلی، گرانی کتاب، مشکلات کاری روزانه یا هر چیز دیگری که باشد، در اصل قضیه فرقی نمی‌کند که آثار دوری از کتاب و فرهنگ مطالعه، خیلی وخیم‌تر از آن چیزی است که تصورش را می‌کنیم! جای دوری هم نمی‌شود رفت؛ در و خامت اوضاع ناشی از

حسین مهریزی

خبرنگار فرهنگی

سی‌امین دوره هفته کتاب هم مانند همه سال‌های گذشته تا امروز، با برنامه‌های متنوع و مختلف برگزار شد و به کار خود پایان داد؛ اما بعید است که مسئله «کتاب و کتابخوانی» و بحران «سراهنه مطالعه» در کشورمان به این راحتی حل شود. در برنامه‌های امسال هفته کتاب هم بخش‌های متنوعی، مانند پویش کتابخوانی، اهدای کتاب، نذر کتاب، کتابخوانی برخط و زنده در برخی پلتفرم‌ها و... طراحی و اجرا شد تا به این بهانه،

جشنواره

انسان تمام

فراخوان جشنواره دوم



فراخوان دومین جشنواره انسان تمام با موضوع نقش انسان کامل در تکامل انسانی بشر و همچنین نقش انسان تمام در رساندن فرد و جامعه و تمدن متعالی منتشر شد. محورهای این جشنواره عبارت است از: گرافیک (طراحی پوستر، تصویرگری کودک و نوجوان)، شعر (کلاسیک، ترانه، شعر کودک)، ادبیات داستانی (داستانک، داستان کوتاه کودک، فیلمنامه، طرح رمان نوجوان)، آموزش خلاق (طراحی بازی، طرح درس خلاقانه) است. مهلت ارسال آثار تا اول دی ماه ۱۴۰۱ است؛ قرار است اختتامیه این جشنواره در بهمن ماه ۱۴۰۱ برگزار شود.

رسانه ملی

مهربانو

فصل دوم روی آنتن شبکه پنج



فصل دوم برنامه مستند «مهربانو» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی زینب پورابراهیم به زودی از شبکه پنج سیما پخش می‌شود. این مجموعه با محوریت بانوان موفق در ۲۶ قسمت ۲۵ دقیقه‌ای تهیه و تولید می‌شود. این مجموعه مستند بانوان موفق جامعه را در مشاغل گوناگونی، همچون پزشکی، نویسنده، شاعر و کارآفرین روایت می‌کند. مستند «مهربانو» قصد دارد، یک روز از زندگی شخصی و خانوادگی این بانوان موفق را برای مخاطبان به تصویر بکشد. «مهربانو» کاری از گروه خانواده و کودک شبکه پنج سیماست که به زودی از این شبکه پخش می‌شود.

مستند

روشنای زندگی

روایت زندگی علامه جعفری



مستند «روشنای زندگی» روایتی از زندگی علامه جعفری، از شبکه مستند سیما پخش شد؛ مستندی که با نگاهی دقیق و موثکافانه زندگی و زمانه فیلسوف معاصر، علامه محمدتقی جعفری را به نمایش گذاشته است. این مستند به کارگردانی «مریم فرهنگ» آماده شده است. از جمله افراد مشهوری که در این فیلم مستند صحبت کرده و درباره علامه جعفری نکاتی را بیان کرده‌اند، می‌توان به پروفیسور مهدی گلشنی پژوهشگر فلسفه علم، شهرام تقی‌زاده انصاری و دکتر سیدمحمسن فاطمی از شاگردان علامه اشاره کرد که زندگی و زمانه این فیلسوف را روایت می‌کنند.

زمین خشک

نگاهی به پدیده خشکسالی و راه‌های عبور از آن

برای فردا

گروه پرونده

صبح صادق

کمبود منابع آبی در ایران، یکی از چالش‌های بسیار اساسی است که افزون بر امنیت غذایی، امنیت اقتصادی و سیاسی را با تهدید مواجه می‌کند. بررسی اقدامات برخی از کشورها در مواجهه با بحران کم آبی حاکی از این است که قابلیت اجرا شدن آنها در ایران نیز وجود دارد و برخی از آنها در قالب طرح و برنامه در حال اجراست؛ اما کارشناسان معتقدند، در اجرای طرح‌های مدیریت منابع آبی کشور گاهی کم‌کاری‌هایی صورت گرفته که همچنان بحران آب در کشور را جدی نگاه داشته است. در واقع، مدیریت آب به طیفی از دستگاه‌های مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مربوط می‌شود که برای توسعه و مدیریت منابع آب و تحویل خدمات آبی در سطوح گوناگون جامعه بنا نهاده می‌شود. مدیریت یکپارچه منابع آبی در سازمان ملل به سلسله فرآیند اصولی برای توسعه پایدار و تخصیص و پایش منابع آب در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی گفته می‌شود که در آن مدیریت هماهنگ منابع آب به‌منظور افزایش رفاه اجتماعی و اقتصادی بدون تخریب محیط‌زیست و حفظ پایداری اکوسیستم صورت پذیرد که برای تأمین این اهداف باید حکمرانان، اجتماعات و ذی‌نفعان، رویکردی فرانسولی داشته باشند.

متخصصان برای بهبود وضعیت موجود و گذر از بحران کم آبی همواره راهکار ارائه داده و تأکید کرده‌اند، سرمایه‌گذاری‌های بیشتر، برداشتن تنگناهای قانونی و اجرای قوانین و مقررات مربوط به حفاظت از منابع آبی کشور، ارتقای آگاهی‌های اقشار مختلف جامعه برای مصرف بهینه و صرفه‌جویی در مصرف آب، اولویت‌بندی و اجرای همزمان طرح‌های مکمل آبیاری، توانمندسازی دستگاه‌های ذی‌ربط از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، تأکید بر نظرات کارشناسی و پرهیز از اجرای پروژه‌هایی که توجیحات اقتصادی، فنی و زیست‌محیطی ندارند، تأکید بر مدیریت یکپارچه منابع آب-خاک حوضه‌های آبریز کشور بر اساس محدوده طبیعی حوضه‌های آبریز اصلی کشور و ایجاد انگیزه‌های لازم در بخش صنعت از طریق سایت‌های مالیاتی و وام‌های کم‌بهره برای توسعه روش‌های تصفیه، بازنگری و اصلاح قانون جامع آب کشور به‌منظور رفع نارسایی‌ها و انطباق آن با شرایط جدید کشور، شویق و ارتقای آگاهی‌های کشاورزان برای استفاده بهینه از نهاده‌های کشاورزی، توسعه شبکه‌های جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب‌های شهری، اولویت در بهره‌برداری از منابع آب رودخانه‌های مرزی، ایجاد مجتمع‌ها یا شوراهای آب در سطح حوضه‌های آبریز اصلی به‌منظور هماهنگی‌های منطقه‌ای و ایجاد نظام‌های پایش کیفی منابع به‌ویژه در حاشیه رودخانه‌های اصلی کشور، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند دولت را برای مواجه‌شدن با چالش‌های مدیریت منابع آبی کشور و دست یافتن به توسعه موزون و پایدار یاری کنند.

فقط یک درصد

نگاهی به مشکل کم آبی در غرب آسیا

مترمکعب در سال می‌رسد. این امر در شرایطی در حال وقوع است که کشورهای عربی تنها ۱ درصد از کل آب‌های جهان را در اختیار دارند و پیش‌بینی می‌شود تا دهه دیگر این رقم به ۰/۷۵ درصد برسد؛ در حالی که از نظر مساحت این منطقه ۱۰ درصد مساحت دنیا را اشغال کرده است.

نتیجه اینکه...

جدی بودن بحران آب در خاور میانه، به‌گونه‌ای است که در ۲۰ سال آینده بسیاری از کشورهای منطقه قادر نخواهند بود آب مورد نیاز کشاورزی، صنعتی، آشامیدنی و دیگر مصارف خود را تأمین کنند. امروزه بیش از ۲۶ کشور در جهان با جمعیتی معادل ۲۳۲ میلیون نفر با بحران کم‌آبی مواجه هستند که از این تعداد ۹ کشور در خاورمیانه قرار دارند. از این رو، چگونگی بهره‌برداری از آب، به بستر مناقشات احتمالی در منطقه تبدیل شده است. جدی‌ترین مناقشات در حوزه‌های رودهای اردن و لیبانی وجود دارد. جایی که سه جنگ متوالی بر سر آب بین اعراب و رژیم صهیونیستی به وقوع پیوسته است.

برای رفع نیازهای آبی نیز منابع جدیدی در اختیار ندارند.

آب شیرین کن‌های بحران آفرین

در همین راستا با افزایش تنش آبی و گستردگی خشکسالی در خاورمیانه، کشورهای حوزه خلیج‌فارس به شکل گسترده، به شیرین کردن آب دریا دست زده‌اند، تا جایی که ۶۰ درصد از ظرفیت نمک‌زدایی و شیرین کردن آب دریا در جهان، در خلیج‌فارس متمرکز است که از این مقدار ۳۰ درصد ظرفیت سهم کشور عربستان است. به‌عبارت دیگر، عربستان به تنهایی ظرفیتی معادل ۳۰ درصد از شیرین کردن آب در جهان را به خود اختصاص داده؛ اما همچنان با کسری منابع آبی مواجه است و بعد از آن کشور کویت، به دومین واردکننده آب آشامیدنی در این حوزه ژئوپلیتیکی تبدیل شده است.

بی‌اعتمادی

به‌طورکلی، مسئله آب در خاورمیانه، با چند واقعیت انکارناپذیر مواجه است. از یک سو منطقه خاورمیانه جزء مناطق کم آب دنیا به شمار می‌آید

بر اساس اعلام فائو در سال ۱۹۹۷، منابع آب زیرزمینی در آسیا به مرحله بحران رسید و در خاورمیانه نیز به دلیل برداشت بی‌رویه، پوسته سطح آب زیرزمینی با افت شدیدی مواجه شد که در نهایت کشورهای خاورمیانه را با بحران خشکسالی مواجه کرد. این در حالی است که در خاورمیانه به دلیل موقعیت راهبردی، موضوع آب بیش از سایر کشورها اهمیت پیدا می‌کند. از این رو در دو دهه اخیر، صاحب‌نظران برای رفع بحران روی چهار رودخانه این منطقه (دجله و فرات، نیل و رود اردن) تمرکز کرده‌اند.

تنش آبی در حوزه خلیج‌فارس

کشورهای حوزه خلیج‌فارس، منابع آب سطحی و زیرزمینی مشترکی دارند؛ از این رو اشتراک در منابع آبی، موجب تنش و درگیری میان بیشتر این کشورها شده است. کشورهای نفت‌خیز عربی نظیر کویت، قطر، عربستان و امارات متحده عربی جزء کشورهایی هستند که در سطح دنیا کمترین منابع آب سرانه را دارند؛ چراکه اغلب، از تمام آب‌خانه‌های زیرزمینی استفاده کرده‌اند و

تحول دیپلماتیک

آب در کشور گفته بود، موضوع آب به‌خصوص در کشور ما و منطقه از اولویت‌های مهم است و ما از بعد امنیت ملی به موضوع آب توجه می‌کنیم. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی درباره علت انجام نشدن اقدامات لازم در خصوص سدسازی‌های بی‌رویه ترکیه بر روی رودخانه دجله و ارس خاطر نشان کرده است، دو کمیسیون امنیت ملی و کشاورزی این موضوع را پیگیری می‌کنند.

نقش دیپلماسی

از سوی دیگر سسمیه رفیعی، رئیس فراکسیون محیط‌زیست مجلس شورای اسلامی در مورد عملکردضعیف دیپلماسی زیستی گفت: «انفعال در دیپلماسی آب یکی از انتقادهای جدی به دولت گذشته بود که متأسفانه در عین بی‌انفعالی هیچ کارکرد و حرکت مثبتی در راستای منافع محیط زیستی از آن مشاهده نکردیم؛ با تغییر دولت امیدوار به تغییر رویکردها در این راستا هستیم؛ زمانی که این مسائل به‌صورت جزئی

از اثرات زیست‌محیطی، اثرات اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای بر تمام ابعاد زندگی دارد. همچنین آب نهاده مهمی برای بخش‌های مختلف اقتصاد ملی، مانند انرژی، کشاورزی و تولید به شمار می‌رود، به گونه‌ای که تغییرات در تأمین آب منطقه‌ای با تقاضای بخشی می‌تواند در عرصه‌های گوناگون اقتصادی اثرگذار باشد.

رودخانه‌های مرزی

در همین راستا چندین پیش وزیر نیرو و تأکید کرد: «در خصوص بحران آب سیاست و راهبرد جمهوری اسلامی ایران در رودخانه‌های مرزی و منابع آب مشترک، تعامل و همکاری با کشورهای همسایه در چارچوب قراردادهای دوجانبه و همکاری‌های دیپلماتیک است، لذا استفاده بهینه از منابع آبی و حفظ محیط‌زیست می‌تواند زمینه‌ای برای تعامل بیشتر و مذاکرات سودمند و همکاری در خصوص مدیریت منابع آب در منطقه فراهم کند.» همچنین رئیس مجلس شورای اسلامی ضمن اشاره به اهمیت موضوع

کشور ما در زمره کشورهای خشک و نیمه‌خشک جهان قرار دارد. با این همه، رشد جمعیت در دهه‌های گذشته، در کنار بهبود شاخصه‌های اقتصادی و رفاهی کشور سبب افزایش مصرف آب در بخش‌های گوناگون کشاورزی، شرب و صنعتی شده است؛ بنابراین، با توجه به افزایش جمعیت در سال‌های آتی، افزایش مصرف آب اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. آب مسئله‌ای حیاتی است که با بقای ملت ارتباط دارد. به عبارت دیگر، بحران آب و خشکسالی از جمله عواملی هستند که در وهله نخست امنیت و اقتصاد یک کشور را نشانه می‌گیرند.

از این رو، تهدیدات امنیت زیست‌محیطی در صورت نادیده گرفتن و بی‌توجهی، می‌تواند پیامدهای امنیت اقتصادی و سیاسی فراوانی برای کشور به دنبال داشته باشد. کم‌آبی از جمله تهدیدات امنیت زیست‌محیطی در بعد طبیعی است که امروزه به یکی از جدی‌ترین مشکلات اقتصاد ایران بدل شده است. بحران آب فراتر

مصرف مکانیزه

نگاهی به اهمیت اصلاح الگوی مصرف در بخش کشاورزی

داده می‌شد. متأسفانه این حلقه مفقوده تا به امروز در وزارت کشاورزی وجود داشته است. در بحث ترویج آبیاری‌های نوین صرفاً قسمتی با این عنوان نام‌گذاری شده است، اما در عمل هیچ کار جدی‌ای صورت نگرفته و این انتقاد به وزارت جهاد کشاورزی وارد است.» بنابراین می‌توان گفت، در کشور ما محیط‌زیست مسئول و متولی خاصی ندارد و حتی در مواردی اختلاف بین دستگاه‌های مختلف، مانند وزارت کشاورزی و وزارت نیرو مانع حل بحران آب در کشور شده است. از این رو، باید مدیریت جامع منابع حیاتی تحت مدیریت نهاد واحدی قرار گیرد تا ضمن برطرف کردن اختلاف‌های مختلف در سطح ملی، از اتلاف بیش از پیش منابع، به‌خصوص منابع آبی جلوگیری شود. بنابراین، اصلاح الگوی کشت، اجرای طرح‌های مکانیزاسیون کشاورزی و آبیاری نوین در اراضی زراعی از راهکارهایی است که می‌تواند برای مقابله با کم آبی در کشور استفاده شود؛ لذا حمایت از الگوی کشت محصولات کم آب با هدف حفظ و مدیریت منابع آب، باید در دستور کار مسئولان کشور قرار گیرد.

حالی است که زمین‌های مناسب کشاورزی دیم که در مناطق شمالی کشور واقع شده‌اند، به دلیل بی‌توجهی به آمایش سرزمین و توسعه نامناسب شهری برای ویلاسازی استفاده می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، در مناطقی که باید کشاورزی انجام گیرد، کشاورزی نداریم و در مناطقی که به دلیل فقر زمین نباید کشاورزی انجام شود، با این بین بردن ظرفیت‌های خاک، در حال کشاورزی هستیم.

آب شیرین برای کشاورزی

همان‌طور که بیان شد، حدود ۹۰ درصد از آب‌های شیرین کشور برای کشاورزی استفاده می‌شود. دلیل چنین حجم بالایی از مصرف آب در بخش کشاورزی، آبیاری سنتی زمین‌های کشاورزی و استفاده از وسایل کاملاً ابتدایی و اولیه است. بنابراین، طبیعی است که هدررفت آب در بخش کشاورزی ایران زیاد و بهره‌وری آب بسیار پایین باشد. در واکنش به روش آبیاری سنتی در بخش کشاورزی یک عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: «ما از سالیان گذشته نسبت به نوع مدیریت منابع آبی گله‌مند هستیم. بحران کنونی آب وضعیت

از دیرباز تاکنون در کشور ما، کشاورزی به بزرگترین مصرف‌کننده منابع آبی تبدیل شده است تا جایی که ۹۳/۵ درصد از منابع آبی کشور در بخش کشاورزی استفاده می‌شود. این در حالی است که ایران جزء کشورهای نیمه خشکی است که در آن حفظ پایداری سیستم‌های آبی نیازمند به‌کارگیری اصول و برنامه‌ریزی دقیق‌تری است؛ اما متأسفانه در ایران در شرایطی سطح کشت دیم با کشت آبی برابر است که ۹۵ درصد محصولات کشاورزی از کشت آبی به دست می‌آید. به‌عبارت‌دیگر، نیمی از زمین‌های کشاورزی به‌صورت دیم است، اما تنها ۵ درصد محصولات کشور را تأمین می‌کند که یکی از دلایل آن، ظرفیت کمتر ایران در کشت دیم در مقایسه با سایر کشورهاست. بر اساس بررسی‌های انجام‌گرفته، ۹۰ درصد مساحت ایران با در نظر گرفتن متغیرهای اقلیمی، توپوگرافیک و خاک، مناسب کشاورزی نیست؛ اما در حال حاضر در بیشتر مناطق کشور، کشاورزی انجام می‌گیرد که این، به معنای استفاده از ظرفیت‌های تجدیدنپذیر خاک است که به‌شدت به منابع خاکی کشور آسیب می‌زند. این موضوع در



تهدید جهانی

هشت محصول کشاورزی

از آنجا که تأمین امنیت غذایی با اتکا به تولید داخل از تکالیف بخش کشاورزی در اسناد بالادستی کشور است، رئیس دولت یازدهم در سال ۱۳۹۴، دستور خودکفایی هشت محصول کشاورزی را به وزارت جهاد کشاورزی ابلاغ کرد تا از این طریق خودکفایی در پنج سال آینده تضمین شود. دستوری که اجرای آن به منابع آبی گره خورد و در نهایت ابرتر ماند. این در حالی است که بسیاری از محصولات در کشور نیازمند مواد اولیه‌ای هستند که با داشتن شرایط تولید در داخل، از خارج وارد می‌شوند. برخی از مواد اولیه، مانند ذرت که از لحاظ حجم واردات به چهارمین کالای عمده وارداتی کشور تبدیل شده است، به آب فراوان نیاز دارد که به دلیل عدم شناسایی استراتژیک بودن کالا از سوی مسئولان، تولید آن کاهش یافته است و آب کم موجود در کشور نیز برای تولید کالاهای غیراستراتژیک دیگر استفاده می‌شود.

آب و امنیت غذایی

آن‌طور که کارشناسان حوزه منابع طبیعی تأکید کرده‌اند، «امنیت آب، یک مفهوم و

بی‌شک، تغییر اقلیم یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در ایران و جهان به شمار می‌آید که ابعاد گسترده آن فراتر از مسائل سیاسی است؛ چراکه با گذشت زمان برخی مناطق، مرطوب‌تر و برخی مناطق خشک‌تر شده و حوادثی، مانند سیلاب و خشکسالی افزایش می‌یابد.

با نمایان شدن ابعاد گوناگون تغییرات آب‌وهوایی و پیامدهای آن بر ساکنان کره زمین، این پدیده به‌تدریج مورد توجه کشورها و نهادهای داخلی و بین‌المللی قرار گرفته و به یکی از دستور کارهای ثابت در مذاکرات دیپلماتیک دولت‌ها و مجامع بین‌المللی بدل شده است.

در سال ۱۳۹۴ در ایران، برای نخستین بار بحران آب در کشور به‌شدت جدی شد و در بیشتر شهرها و روستاها، خشکسالی چهره خود را نمایان کرد.

همان سال مسئولان و دولتمردان در راستای کاهش دسترسی به منابع آبی و شیوع خشکسالی، از کاهش امنیت غذایی در کشور خبر دادند.

خاورمیانه به دلیل دارا بودن منابع طبیعی به‌ویژه نفت، به منطقه پرتنش در جهان تبدیل شده است که با اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی، بحران و تنش در این منطقه روزبه‌روز گسترده شده و اکنون یک وجه خود را به شکل خشکسالی در کشورهای حوزه خلیج فارس نشان داده است. کمبود آب شیرین یکی از خاستگاه‌های عمده رویارویی در خاورمیانه در دهه‌های اخیر بوده که سیاست‌های خبیثانه رژیم صهیونیسم به‌حجم این مشکل افزوده است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از کشورهای حوزه رودخانه اردن به رویارویی نظامی با یکدیگر برخاستند. در جنگ ۱۹۶۷، رژیم صهیونیستی به یک سد مشترک متعلق به اردن و سوریه واقع در رودخانه برون شاخه‌ای از رودخانه اردن یورش برد و پس از آن بر بیشتر سرشاخه‌ها و حوزه رودخانه اردن چنگ انداخته و آب چندانی برای نیازهای فزاینده کشور اردن باقی نگذاشته است.

غارت منابع آبی فلسطین

از سوی دیگر رژیم صهیونیستی برای اینکه موجبات کوچ فلسطینی‌ها از سرزمین

چالش در حال ظهور به معنای دسترسی قابل اعتماد به مقدار و کیفیت قابل قبول آب، برای بهداشت، معیشت و تولید است که امروزه نقش و اهمیت آن در تأمین امنیت غذایی افزایش یافته است و در میان منابع طبیعی، امنیت آب از اصلی‌ترین ارکان دستیابی به توسعه پایدار به شمار می‌رود. از این رو بهره‌برداری ناکارآمد از منابع آب، سبب نهمی شدن ذخایر آبی و تضعیف توسعه اقتصادی شده و در نهایت به تهدیدی جدی برای امنیت بلندمدت غذایی غذایی، نقش مهم و کلیدی را در امنیت غذایی ایفا می‌کند.

امنیت غذایی

در این باره محمدحسین شیخ محمدی، پژوهشگر حوزه کشاورزی و اقلیم تصریح می‌کند: «موضوع آب به‌رغم اهمیت حیاتی آن برای کشور در اولویت اصلی سیاست‌گذاران کشور نیست. فرآیند سیاست‌گذاری آب در کشور با

مشکلات و ایرادهای اساسی روبه‌روست. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور موفق به تدوین سیاست‌ها، تصمیم‌ها، قوانین و مقررات کارآمد در زمینه مدیریت بحران آب نبوده‌اند، نهادهای اجرایی مرتبط با آب نیز درگیر ناکارآمدی‌های گسترده‌اند. امروز تغییر در سیاست‌ها و راهبردهای حوزه آب، موضوعی اساسی و ضروری است. ادامه سیاست‌ها و روندهای پیشین می‌تواند امنیت غذایی، اقتصادی و حتی حیات ملی کشور را با چالش‌ها و بحران‌های بسیاری مواجه سازد.» بر این اساس، امروزه با توجه به رشد جمعیت، تغییرات آب‌وهوایی، افزایش رقابت برای آب و توجه به مسائل زیست‌محیطی، آب برای تولید مواد غذایی یک نیاز اصلی به شمار می‌آید. با مروری بر وضعیت منابع آب مشاهده می‌شود، امنیت آن نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان در معرض خطر است؛ به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ دو میلیارد نفر افزایش یابد که بر اساس آن ۴۷ درصد جمعیت جهان تحت فشار شدید بحران آب زندگی خواهند کرد.

اشغالگری زیست محیطی

رژیم صهیونیستی منابع آبی غرب آسیا را غارت می‌کند

خود را برای شیرین کردن آب، طی دو دهه اخیر افزایش داده است.

طمع به نیل و فرات

همچنین رژیم صهیونیستی با تهدید کشورهای منطقه، هرگز مدیریت بهره‌برداری از آب‌های منطقه را به آنها نخواهد داد و حمله نظامی این رژیم به شالوده سد (الوحده) سوریه را باید در این زمینه ارزیابی کرد. پروژه‌های سوریه در تغییر جریان آب رود غاصبانی نیز در همین جهت بود که با حمله هوایی رژیم صهیونیستی متوقف شد. یکی از اهداف حمله رژیم صهیونیستی به لبنان در جنگ سی‌وسه روزه سلطه بر منابع آبی جنوب لبنان بوده است. اصرار این رژیم در تسلط بر منطقه لیتانی از طریق قطعه‌نامه ۱۷۰۱ و همچنین حضور نیروهای یونیفل در این منطقه تلاشی در همین زمینه است. از این رو، می‌توان گفت رژیم صهیونیستی نه تنها آب‌های منطقه را به انحصار خویش درآورده، بلکه به آب نیل هم چشم طمع دوخته است. این رژیم غاصب اولین تهدیدکننده آب در منطقه است که با اوضاع امروزی آب، طمع صهیونیست‌ها به آب‌های نیل و فرات بیشتر شده است.

رژیم صهیونیستی پی برد، دو نوار آبی رنگ در حاشیه بالایی و پایینی پرچم جعلی صهیونیست‌ها، نمادی از رودهای نیل و فرات است؛ یعنی اینکه مرزهای رژیم صهیونیستی از «نیل» تا «فرات» است. به تعبیری می‌توان گفت، دسترسی به منابع آبی و اهمیت منابع آبی از همان روزهای اعلام موجودیت جزء اهداف شوم رژیم صهیونیستی بوده است.

کام تلخ غرب آسیا

دولت خودگردان فلسطین از حوضه آبی کوهستان ساحل غربی رود اردن سهم ناچیزی دارد. اشغال بلندی‌های جولان سوریه را از حوضه آبی دریاچه جلیله محروم کرده است. از آنجا که تأمین امنیت آبی نیازمند اقدامات نظامی هماهنگ است، رژیم صهیونیستی انگیزه‌ای قوی برای توسعه تکنولوژیکی به‌منظور بهبود امنیت آبی داشته است. سایر منابع آبی داخلی شامل افزایش ظرفیت کارخانه‌های تولید آب شیرین و تلاش مداوم برای بازیافت آب به رژیم صهیونیستی این فرصت را داده است تا یکی از محدودیت‌های جغرافیایی خود را کاهش دهد. رژیم صهیونیستی به‌طور قابل ملاحظه‌ای ظرفیت

سیاست اصولی

اصلاح الگوی مصرف به جای انتقال آب

در ایران، طرح‌های انتقال آب از قدیم مورد توجه بهره‌برداران از آب بوده است. نخستین بار در دوران حکومت شاه عباس صفوی و در سال ۱۱۲ هجری شمسی، بحث انتقال آب کارون به زاینده‌رود مطرح شد و جهانگیرخان بهرامسری مأمور بررسی این موضوع شد. هرچند طرح اندکی جلو رفت و گردنه کوهرنگ به چلگرد نیز شکافته شد، اما با مرگ شاه‌عباس این طرح ناتمام باقی ماند و در نهایت در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی با نام طرح کوهرنگ ۱ به بهره‌برداری رسید. از همان دوران به بعد، هر سال نمایندگان استان‌های خشک و نیمه‌خشک طرح‌های انتقال آب زیادی به دولت ارائه می‌کنند. به طور کلی، این طرح‌ها در شرایطی بیان می‌شوند که در صورت مصرف صحیح آب در دسترس در مقصد، نیاز به انتقال آب کاهش پیدا می‌کند. اگرچه راه‌حل انتقال آب، می‌تواند روشی برای کاهش اثرهای کمبود آب در مقصد باشد، اما به‌طور معمول جامع‌نگری در اجرای این‌گونه طرح‌ها اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، سالانه صدها میلیارد ریال صرف اجرای پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای می‌شود بدون آنکه سطح معقولی از قطعیت وجود داشته باشد که این پروژه‌ها به شکل اساسی کیفیت زیست‌محیطی را در حوضه مبدأ یا مقصد تخریب می‌کنند یا خیر.

هزینه سرسام‌آور انتقال آب

مردادماه سال گذشته، «احد وظیفه» درباره حل بحران تنش آبی از طریق انتقال آب دریا به خشکی، تأکید کرد: «انتقال آب دریا به شهرهای مرکزی برای برطرف کردن خشکسالی از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است؛ ایران هم‌اکنون از جهات مختلف با تنش آبی مواجه است، هم مشکل تأمین آب شرب در شهرها را داریم؛ هم تأمین آب کشاورزی؛ به‌خصوص در فلات مرکزی، کمبود آب جدی است؛ به گونه‌ای که همه از کاهش جدی آب‌های زیرزمینی خبر می‌دهند.» به گفته رئیس مرکز بحران سازمان هواشناسی، هزینه تمام شده انتقال آب دریا آنقدر گران است که اگر حتی در بخش کشاورزی هم استفاده شود، موجب گران شدن محصولات کشاورزی خواهد شد. ضمن اینکه حجم آب محدودیت دارد و نمی‌تواند فراگیر باشد.

توصیه نمی‌شود

علیرضا شهیدی، رئیس سازمان زمین‌شناسی با اشاره به ایجاد بحران و تنش آبی با استفاده از طرح‌های انتقال آب، تأکید کرد: «در حال حاضر تنش آبی در کشور دیده می‌شود، گاهی اوقات شاهدیم بین روستاها و شهرهای مختلف تنش ایجاد می‌شود و هرچند موقتی است، اما وجود دارد، یا اینکه در بحث انتقال آب که کار درستی هم نیست و از یک حوضه آبریز به حوضه آبریز دیگر این تنش‌ها اتفاق می‌افتد.» وی بیان کرد: «انتقال آب بین حوضه‌ای به‌هیچ‌عنوان توصیه نمی‌شود، مگر برای شرب که شاید توجیه داشته باشد؛ اما اینکه آب را برای مصارف کشاورزی از یک حوضه آبریز به حوضه آبریز دیگر انتقال دهیم، با توجه به اینکه بازدهی کشاورزی مان خوب نیست، به معنای نابودی و هدررفت آب است. با این دخالتی که در حوضه‌های آبریز انجام می‌دهیم، سبب می‌شویم تعادلی که در هزاره‌های گذشته به وجود آمده بوده و هر جا با یک سیستمی پیش می‌رفت، تغییر کند و این انتقال سبب می‌شود تغییرات کوتاه‌مدت و بلندمدت ایجاد شود که درست نیست.»

تحمیل هزینه‌های سنگین برای اجرایی کردن این قبیل طرح‌ها، نارضایتی‌های اجتماعی، ناپایداری سرزمین، آسیب به صنایع وابسته به آب در حوضه مبدأ و... تنها بخش کوچکی از مشکلات ایجاد شده از طریق پروژه‌های انتقال آب در کشور است. از این رو طرح‌های انتقال آب آخرین راه‌حل است و فقط در مواردی پیشنهاد می‌شوند که با مدیریت منابع و تغییر سیاست‌های موجود، بتوان نیاز منطقه را برطرف کرد و آثار مثبت آن بر پیامدهای منفی طرح غلبه کند.

